

- ۱- سیاست‌های آمریکا در غرب آسیا
- ۲- مسائل داخلی رژیم صهیونیستی و مسائل داخلی آمریکا
- ۳- محور مقاومت، حوزه خلیج فارس، اروپا، قفقاز و آسیای میانه
- ۴- موضوعات مربوط به سیاست داخلی و خارجی ایران، برجام، اعتراضات مردمی و رهبری
- ۵- توثیقات‌های منتشر شده از سوی فعالان و مقام‌های سیاسی جهان

رصدنامه روزانه اندیشکده‌ها، خبرگزاری‌ها، مجلات آمریکایی | مختص مطالعه نخبگان | شنبه ۵ خرداد ۱۴۰۳ | سال سوم شماره ۷۰

است که در ماه‌های اخیر دست به کار شده است. اوج این امر در ماه گذشته با حمله مستقیم ایران به اسرائیل و به دنبال آن اقدام تلافی جویانه اسرائیل رخ داد.

حمله ایران که شامل صدها پهپاد و موشک بود، خود پاسخی بود به ترور محمدرضا زاهدی، فرمانده ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سوریه در ماه اوایل آوریل توسط اسرائیل. این حمله به دنبال ترور یک فرمانده قدرتمند ایرانی، سید رضی موسوی، در ماه دسامبر، یک ماه قبل از کشته شدن سه فرمانده دیگر ایرانی که در ماه ژانویه انجام شد.

آنچه در بحث درگذشت رئیسی به طور قابل توجهی و شاید به طور آشکاری غایب است، به غیر از برخی صحبت‌ها در شبکه‌های اجتماعی، اتهامات دسیسه‌های «صهیونیستی» است. از بدو پیدایش جمهوری اسلامی، حکومت، موساد را به عنوان قدرت شرور و پنهان هدایت کننده تمامی فعالیت‌های ضد ایرانی قرار داده است. مقامات این موضوع را تا حد زیادی پیش برده‌اند و زمانی تا آنجا پیش رفته‌اند که ادعا می‌کنند موساد از مارمولک‌ها برای جاسوسی از برنامه هسته‌ای کشور استفاده کرده است.

با این حال اطلاعات اسرائیل هنوز به طور رسمی مقصر مرگ رئیسی شناخته نشده است. این امر احتمالاً به دلیل این واقعیت است که اگر تصور می‌شد اسرائیل این ترور را ترتیب داده بود، نظام ایران در جهان خارج و برای مردم این کشور که مخالف نظام و در التهاب هستند، به طور فاجعه‌باری آسیب‌پذیر جلوه می‌کرد. به نظر حقیقت همین است. حتی بدون هیچ مدرکی مبنی بر اینکه اسرائیل در پس درگذشت رئیسی قرار دارد، بازتاب مشروط ایران در مقصر دانستن رقیب منطقه‌ای خود تقریباً به این معنی است که بسیاری در کشور، از جمله رده بالای سیاسی آن، طبیعتاً معتقدند که اسرائیل مقصر است.

ادامه در صفحه ۲



شهادت «رئیسی» شکنندگی حکومت ایران را برجسته می‌کند

آن‌هرد

اشلی ریندزبرگ |

شهادت ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور و حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه، دو تن از قدرتمندترین سیاستمداران تندرو ایران در سانحه سقوط هلیکوپتر موجی از شوک را در این کشور ایجاد کرد. در حالی که بعید است درگذشت رئیسی تأثیر فوری از نظر

سیاست داشته باشد، با توجه به اینکه [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب تقریباً در هر جنبه از قدرت و سیاست ایران تصمیم نهایی را می‌گیرد، وقتی در چارچوبی درست به این موضوع نگاه شود، می‌تواند کشور را از تعادل خارج کند که از انقلاب سال ۱۹۷۹ تجربه نشده است. اولین و بارزترین عامل، جنگ سایه ایران با اسرائیل

۱۳

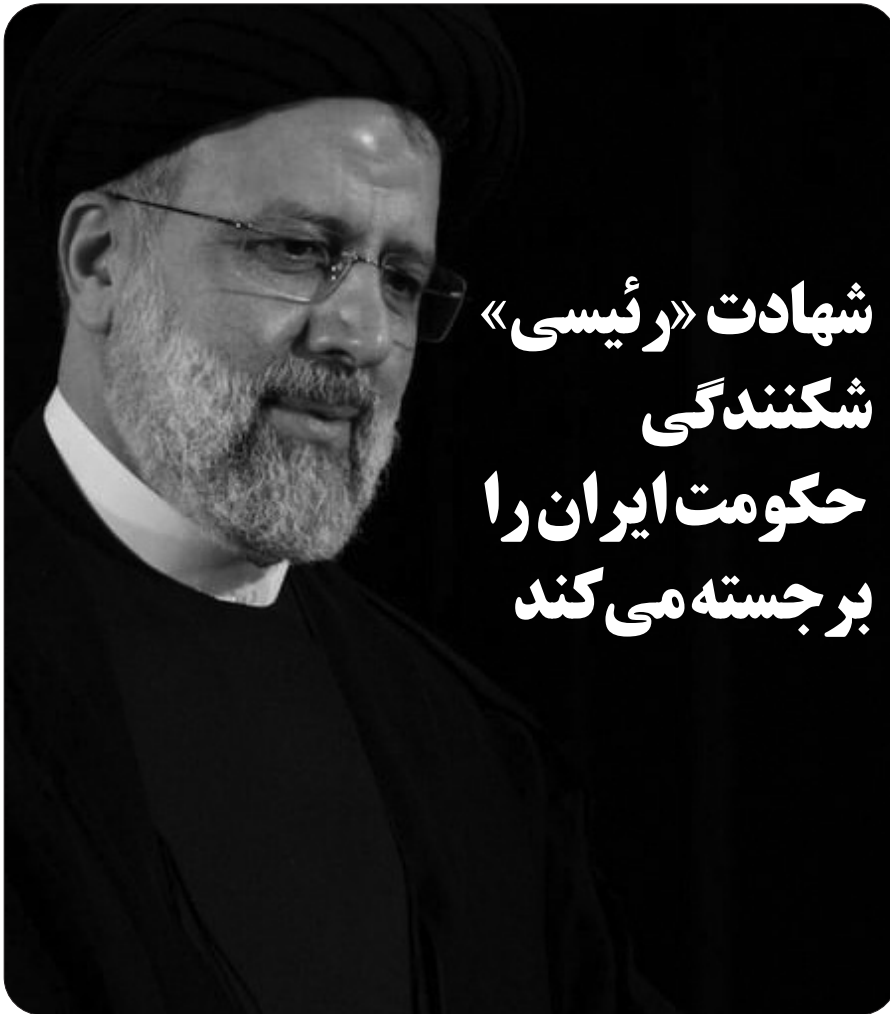
تأثیر درگذشت «رئیسی»
بر سیاست داخلی
ایران

۷

رابطه هم‌سویی چندجانبه با
پایان یافتن هژمونی جهانی
آمریکا

۵

تهدید دیوان بین‌المللی
کیفری به دستگیری سران
اسرائیل



شهادت «رئیس» شکندگی حکومت ایران را برجسته می کند

شعار «ابراهیم رئیسی»

امنیت مردم بود

اکنون میست |

رئیس جمهور تندرو ایران در سن ۶۳ سالگی در یک سانحه هلیکوپتر جان باخت. او نظاره گر کوه‌های ناهموار شمال غرب ایران بود. او ترجیح می داد همان طور که هست ظاهر شود، یک متخصص سرسخت در قوانین شریعت، که بریدن دست دزدان برای وی «یکی از بزرگ ترین افتخاراتش» بود. با این حال، او در آن روز، هنگام افتتاح سد «قیز قلعه سی» در رودخانه ارس، به رئیس جمهور آذربایجان لبخند زده بود. این نشان دهنده نزدیکی بین کشورهای آن‌ها بود. آن‌ها فراز و نشیب‌های خود را داشتند. او می گفت که همکاری آن‌ها دشمنانشان را ناامید می کند. ماه گذشته دولت ایران ۳۰۰ موشک و پهپاد به سمت اسرائیل شلیک کرد و این حمله را به عنوان نمایشی از پیچیدگی و قدرت تبلیغ نمود. تقریباً یک ماه بعد، بالگرد ابراهیم رئیسی در شرایط بد آب و هوایی در ۲۹ اردیبهشت ماه ناپدید شد.

رهبر ایران سال‌ها دایره قدرت را محدود کرده است. سیاست انتخاباتی که از ویژگی‌های ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ بود، از بین رفته است.

رئیس‌ی به عنوان یکی از نامزدهای پیش‌تاز رهبری شناخته می شد. نامزد دیگر، مجتبی خامنه‌ای، فرزند رهبر جمهوری اسلامی است. این سقوط مرگبار می تواند این نقشه را خراب کند. یک انتخابات رقابتی تر در حال حاضر نشان دهنده انحراف از سیاست محافظه کارانه سال‌های اخیر است. با این حال، مشروعیت نظام همچنان روبه زوال خواهد بود. مشارکت در میان رای دهندگان به پایین ترین حد خود رسیده است: ایرانیان شاهد فقیرتر شدن و سرکوب شدن در زمان [آیت الله] خامنه‌ای بوده اند؛ این همچنین می تواند نشان دهنده رویارویی بیشتر با غرب باشد. رئیس جمهور سیاست خارجی ایران را کنترل نمی کند.

بازوال مشروعیت، اقتصاد در حال شکست و مبارزات برای قدرت در پشت پرده، نظام ایران شکننده تر از همیشه است.

B2n.ir/f03155

دو بار در مورد اعزام مقامات ارشد به سوریه، لبنان یا یمن برای تحکیم روابط، ایجاد خطوط تدارکاتی و به طور کلی پیشبرد اهداف شبکه ترور جهانی خود فکر خواهد کرد. این بدان معناست که استفاده از ارتباطاتی که ذاتاً در برابر جاسوسی آسیب پذیرتر هستند، باز خواهد گشت؛ اما این بدان معناست که روابط مستقیمی که محور بر آن بنا شده است به طور قابل توجهی تنزل خواهد یافت.

در نهایت و شاید مهم تر از همه، درگذشت رئیسی که هم اکنون در سراسر ایران توسط مردم جشن گرفته می شود، نشان خواهد داد که رهبری نه تنها آسیب پذیر، بلکه شکننده است. در کشوری که از نرخ تورم سالانه نزدیک به ۷۰ درصد در حال نبرد با داعش و همچنین گروه‌های جدا شده متعدد است، این امر می تواند تأثیر مرگباری بر جای بگذارد.

tinyurl.com/2a2tfmuj

زاهدی و اکنون امیر عبداللهمیان و رئیسی به منزله گشودن پیوند تشکیلاتی است که محور را در کنار هم نگه داشته است. با هر درگذشت، ایران شبکه‌ای از روابط را از دست می دهد که در آن هر یک از مقامات متوفی به عنوان یک گره اصلی خدمت می کردند، همچنین ده‌ها دانش سازمانی غیرقابل جایگزین و برنامه ریزی دقیق برای فعالیت‌های آینده را از دست می داد.

سایه‌ای که درگذشت رئیسی به طور اجتناب ناپذیری ایجاد می کند، به نخبگان سیاسی نظام نیز یادآوری می کند که مصون نیستند. در حالی که فرماندهان ممکن است زمانی هدف قرار دادن دانشمندان هسته‌ای ایران را محدود بدانند و سیاستمداران نیز ممکن است در مورد درگذشت افراد بلند پایه همین فرض را کرده باشند، طبقه سیاسی فقط می تواند فرض کند که همه بازیچه هستند.

در عمل، این بدان معناست که ایران

این مسئله تأثیری وحشتناک بر توانایی این کشور برای نمایش قدرت در سراسر غرب آسیا خواهد داشت. طی چند دهه گذشته، ایران عملاً یک «محور مقاومت» را ایجاد کرده است که به «هلال شیعی» معروف است، از تهران در شرق، از طریق سوریه و لبنان تا یمن و غزه، جایی که ایران به عنوان حامی اصلی حماس است. در واقع، گزارش‌هایی مبنی بر اینکه زاهدی فقید «معمار» حمله تروریستی حماس در روز ۱۷ اکتبر بوده است، منتشر شده است.

در حالی که محور مقاومت به عرضه پول و تسلیحات وابسته است، در درجه اول یک ساختار ایدئولوژیک است که بر اساس روابط ساخته شده است. زمانی که دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۰ دستور ترور قاسم سلیمانی، اصیل ترین و مشهورترین معمار محور مقاومت را صادر کرد، تشکیلات او لرزید، اما سقوط نکرد.

با این حال، درگذشت موسوی،

ایران به پیروزی خود بر اسرائیل باور دارد



فان پالیسی علی واعظا

روز یکشنبه، ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور ایران و چند مقام دیگر از جمله حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه در یک سانحه سقوط هلیکوپتر جان باختند. این حادثه به دنبال دور بی سابقه‌ای از تنش‌ها بین ایران و اسرائیل در ماه آوریل رخ داد و گمانه‌زنی‌هایی را درباره پیامدهای بالقوه برای سیاست منطقه‌ای ایران و درگیری‌های جاری با اسرائیل برانگیخت.

با وجود خلأ ناگهانی که در رأس قوه مجریه ایران پدید آمده، انتظار می‌رود جهت‌استراتژیک سیاست‌های خارجی و منطقه‌ای ایران که عمدتاً توسط [آیت‌الله] خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب تعیین شده و تحت تأثیر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است، بدون تغییر باقی بماند، اما با این حال، تنش اخیر بین ایران و اسرائیل در حال حاضر بر تفکر استراتژیک ایران و محاسبات منطقه‌ای آن تأثیر گذاشته است.

واکنش ایران به حمله اسرائیل به سفارتش در سوریه، غیرقابل قبول تلقی می‌شود. تهران معتقد بود که بدون پاسخ ماندن این حملات، می‌تواند منجر به هدف قرار گرفتن بیشتر

مقامات ایرانی شود. ایران برای حفظ چهره و بازدارندگی‌اش، حمله موشکی و پهپادی گسترده‌ای را به اسرائیل انجام داد و تمایل خود را برای حمله مستقیم به خاک اسرائیل نشان داد.

تقابل اسرائیل و آمریکا در مقابل ایران، جایگاه تهران را در میان حامیانش ارتقا و شهرتش را به عنوان مدافع حقوق فلسطینی‌ها افزایش داده است. موفقیت این حمله به دلیل دستاورد نظامی‌اش نبود، بلکه هدف تنها حمله مستقیم به یک دشمن قدرتمند تحت حمایت یک ابرقدرت بود. توان و جسارت بالای ایران در مواجهه با خطر، باعث منصرف کردن اسرائیل از عملیات‌های مخرب بزرگ و همچنین نشان دادن قدرت بازدارندگی در منطقه است.

رهبران ایران بر این باورند که تلافی آن‌ها علیه اسرائیل که بیش از ۱ میلیارد دلار هزینه داشت و حداقل پنج کشور را درگیر کرد، احتمال تشدید بیشتر تنش‌ها را کاهش داده است. مقامات آمریکایی بر این باورند که هدف ایجاد خسارت و تلفات قابل توجه بوده است، اما این حمله به دلیل آسیب‌پذیری‌های تهاجمی و قدرت دفاعی اسرائیل شکست خورده است. ایران بعد از این

حمله ممکن است به دنبال تقویت توسعه تسلیحاتی پیشرفته، تعمیق حضورش در سوریه و دو برابر کردن توسعه موشک‌های پیشرفته‌اش باشد. اقدامات تلافی‌جویانه اسرائیل نیز کاستی‌های تهران از جمله فقدان سیستم‌های پدافند هوایی و ضعف حریم هوایی‌اش را آشکار کرد. برای رفع این کاستی‌ها، ایران ممکن است از روسیه کمک بگیرد. ایران همچنین تلاش‌هایی را برای از بین بردن تسلط نیروهای دموکراتیک متحد آمریکا در سوریه تشدید کند.

به‌رغم شکست کاملی که ایران متحمل شد، رهبر ایران بر این باور است که توانایی‌های جنگی نامتقارن و تصاویر موشک‌های ایران در فراز آسمان اسرائیل منجر به نظم‌دهی مجدد منطقه‌ای می‌شود و اسرائیل را در سطح جهانی طرد و آمریکا در مورد شکل حضورش بازنگری می‌کند. با این حال، واقعیت‌های پایدار ممکن است، خطرات کوتاه‌مدت و میان‌مدت را به همراه داشته باشد. تمایل ایران برای کنار گذاشتن صبر استراتژیک خود و اتخاذ موضعی تهاجمی‌تر می‌تواند منجر به افزایش یک دوره از ویرانگری‌ها شود.

<https://tinyurl.com/2465uz4l>

شهادت (رئیس)، وحدت جناح‌های

تندر و ایران را محک می‌زند

فایننشال تایمز

رائیون / فایفر / جور جیادیس |

با توجه به برگزاری انتخابات اضطراری ریاست جمهوری در روز ۲۸ ژوئن، درگذشت رئیسی می‌تواند رقابت سیاسی پرتنش ایران را در میان وفاداران به نظام دینی به سطح جدیدی برساند و با حدود ۶ هفته آماده‌سازی و تصمیم‌گیری برای حمایت از نامزدها، اتحاد تندروهای نظام را نیز آزمایش خواهد کرد. محمدعلی ابطحی، معاون سابق اصلاح طلب ایران گفت: «تندروها احتمالاً به دنبال نامزدی خواهند بود که بتواند جناح خود را در پی تنش‌های سیاسی اخیر متعادل کند.» هنگامی که رئیسی در سال ۲۰۲۱ انتخاب شد، پیروزی او نشان دهنده تثبیت کنترل تندروهای نظام بر همه بازوهای حکومت و به حاشیه راندن میانه‌روها و اصلاح طلبان بود. سپاه پاسداران که بعد از روی کار آمدن رئیسی به عنوان رئیس جمهور، تسلط بیشتری بر امور کشور افزایش داد، بر بحث سیاسی در میان تندروها تأثیر خواهد گذاشت. مرگ رئیسی می‌تواند نقطه عطفی در سیاست ایران باشد و کشور را به سمت مرحله جدیدی سوق دهد که در آن سیاست سفت و سخت‌تر شود.

تحریم‌های طولانی مدت غرب علیه ایران، به ویژه در زمینه خرید قطعات یدکی و تعمیرات، به فرسودگی شدید ناوگان هوایی این کشور منجر شده، به طوری که میانگین عمر ناوگان هوایی ایران در بخش مسافربری، به دو برابر میانگین جهانی رسیده است. این فرسودگی ناشی از تحریم‌های طولانی مدت، در سانحه اخیر بالگرد بل ۲۱۲ که حامل مقامات ارشد ایرانی از جمله رئیس جمهور بود، نقشی اساسی داشته است.

هلیکوپترهای روسی که توسط نیروهای مسلح کلمبیا مورد استفاده قرار می‌گیرند نیز اخیراً متحمل چندین حادثه شده‌اند. ایران که هواپیماهای خود را از طریق ترکیبی از قطعات قاچاق و مهندسی معکوس به پرواز در می‌آورد، تاریخچه خاصی دارد. بر اساس گزارش رسانه‌های دولتی در سال ۲۰۰۵، یک هواپیمای ترابری نظامی روی یک بلوک آپارتمانی در تهران سقوط کرد و ۱۲۸ نفر را کشت. محمدجواد ظریف تحریم‌های آمریکا را عامل سقوط اخیر و کشته شدن رئیسی دانست.

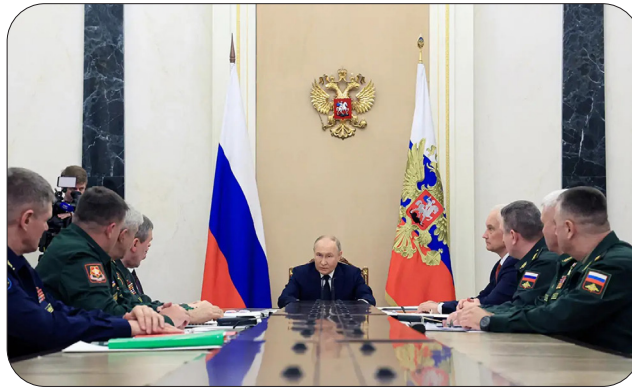
B2n.ir/p23114

پوتین از جان اوکراین چه می خواهد؟

ممنوعیت نئونازیسم و ناسیونالیسم تهاجمی بود و قوانینی را که مخالف دیدگاه مورد تأیید کرملین از تاریخ دوران شوروی بود، لغو کرد.

پوتین در مورد جاه طلبی های ارضی خود اظهار نظر چندانی نکرده است و معتقد است که روس ها و اوکراینی ها یک ملت هستند و اوکراین تنها در مشارکت با روسیه می تواند پیشرفت کند. او در مورد تمایل خود برای بازپس گیری «سرزمین های تاریخی» روسیه بدون مشخص کردن اینکه آن ها هستند صحبت کرده است، اگرچه آن ها به وضوح حداقل بخش هایی از اوکراین را شامل می شوند. پوتین یک «عملیات نظامی ویژه» را برای حفاظت از جمعیت روسی زبان جمهوری های خلق دونتسک و لوهانسک که روسیه آن ها را به عنوان کشورهای مستقل به رسمیت شناخت، اعلام کرد.

is.gd/bONv9j



آمریکا ناآرام بود و معتقد بود که ناتو به عمد اوکراین را به محل برگزاری روس هراسی «تبدیل می کند. نگرانی پوتین در مورد ناتو و اهداف امنیتی او، غیرنظامی کردن و نازی زدایی اوکراین، در مذاکرات مقامات روسیه و اوکراین مشهود بود. روسیه بر بی طرفی اوکراین تأکید کرد و پیشنهاد تشکیل نیروی نظامی در زمان صلح با ۸۵ هزار سرباز را داد. نازی زدایی به دنبال

تهدیدی برای امنیت روسیه و خیانت به وعده های جنگ سرد انتقاد کرده است. پیش نویس معاهدات روسیه بر ناتو متمرکز بود، نه اوکراین، و خواستار پایان دادن به گسترش ناتو، ممنوعیت استقرار سلاح های تهاجمی در امتداد مرزهای روسیه و خروج زیرساخت های ناتو بود. پوتین از افزایش همکاری های نظامی و امنیتی بین اوکراین و اعضای ناتو، به ویژه

شورای روابط خارجی توماس گراهام

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه اعلام کرده است که اهداف او برای اوکراین شامل تضعیف یا برهم زدن روابط این کشور با ناتو، سرکوب ناسیونالیسم اوکراین و گسترش دستاوردهای ارضی است. با این حال، او فهرست دقیقی از این اهداف ارائه نکرده است و بسته به تحولات میدان نبرد، فضایی برای پیروزی باقی می گذارد. درک اهداف پوتین برای توسعه یک استراتژی متقابل برای جلوگیری از موفقیت او بسیار مهم است. نگرانی های امنیتی می توانست از طریق مذاکره با اوکراین و غرب برطرف شود، اما با تهاجم او در سال ۲۰۲۲ بر آن ها غلبه کرد. حمله پوتین منشور سازمان ملل و هنجارهای امنیتی اروپا را نقض می کند. پوتین مدت ها است که از گسترش ناتو و عضویت بالقوه اوکراین به عنوان

آینده اروپا در دستان «اوربان» است!



آن هرد لیلی لینچ

اوربان می خواهد کشتی خود را فرماندهی کند و مسیر آن را درست کند. اوربان در ماه دسامبر به رسانه های مجارستانی گفت: «برنامه ما خروج از اتحادیه اروپا نیست، بلکه تصرف آن است و او به زودی فرصتی برای انجام این کار خواهد داشت. در انتخابات پارلمانی اروپا در ماه آینده، اوربان امیدوار است که یک موج راست پوپولیستی به او و نزدیکان ایدئولوژیکی اش اجازه دهد تا مناصب و نهادهای برتر را تصاحب کنند. با توجه به اینکه مجارستان قرار است در ماه جولای ریاست دوره ای شورای اروپا را برعهده بگیرد، نفوذ نخست وزیر این کشور می تواند بی نظیر باشد.

اما به جای اینکه صرفاً مسئله قدرت باشد، چیزی ایدئولوژیک تر و حتی فلسفی تر در این تضاد نقش دارد. بسیاری از مخالفان لیبرال اوربان، او را تهدیدی برای «ارزش های اروپایی» می دانند، اما فقدان شفافیت

را به عنوان بخشی از طرح گسترده تر خود برای بازسازی یافت اجتماعی خود مجارستان ارائه کرده است. و در حالی که اوربان ادعا می کند که مدافع اروپای مسیحی است، تعداد افرادی که خود را به عنوان مذهبی معرفی می کنند در مجارستان به شدت کاهش یافته است.

B2n.ir/z54399

فدرالیست ها، حاکمانی مانند اوربان بر این باورند که اتحادیه اروپا باید به یک بدنه سست و عمدتاً فرهنگی تقلیل یابد که کشورهای اروپایی را در مسیحیت مشترکشان متحد کند. به نوبه خود، فدرالیست ها حاکمیت گرایان ناسیونالیست های واپس گرای خون و خاک می دانند. اوربان همیشه بدبینی اروپایی خود

عجیبی در مورد اینکه این «ارزش ها» واقعاً چه هستند، وجود دارد. با این حال، اوربان خود را قهرمان ارزش های اروپایی و منتقدانش را کسانی می داند که آن ها را به خطر می اندازند. از نظر اوربان، درگیری در اروپا توسط دو اردوگاه رقیب تعریف می شود: گروه خودش، حاکمیت ها (یا ناسیونالیست ها) و مخالفانش،

تهدید دیوان بین‌المللی کیفری به دستگیری سران اسرائیل

سورین

رژیم صهیونیستی

روزنامه



اکنون میست!

کریم ای. ای. خان، دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، برای بنیامین نتانیاها، نخست‌وزیر و یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل، به همراه رهبران جنبش اسلام‌گرای حماس که در روز ۷ اکتبر سال گذشته حمله مرگبار به اسرائیل را آغاز کرد، حکم بازداشت را درخواست کرده است. خان، یک وکیل انگلیسی، اتهامات مفصلی را علیه هر دو طرف از جمله یحیی سنوار، محمد ضیف و اسماعیل هنیه، سران حماس، به اتهام قتل، تجاوز جنسی و ربودن شهروندان اسرائیلی صادر کرد. اتهامات وارده به وزرای اسرائیلی نیز مورد اشاره قرار گرفت و نشان‌دهنده وحشتی بود که بسیاری از جنگ دولت اسرائیل در غزه را مشاهده کردند. چشم‌انداز حضور رهبران آن‌ها در اسکله برای اسرائیلی‌ها غیرقابل تصور است، اما این نشان‌دهنده وحشتی است که بسیاری از آن‌ها برای مشاهده جنگ

دولت خود در غزه آمده‌اند. خان، اسرائیل را به دنبال «گرسنگی به‌عنوان روشی برای جنگ» در غزه متهم کرد، اتهامی که اسرائیل آن را رد کرده است. این رژیم عمدتاً بر بسته شدن مسیرهای کمک‌های بشردوستانه و قصد تحمیل «محاصره کامل» غزه متمرکز بوده است. خان به جای بمباران مناطق غیرنظامی، تمرکز بر تاکتیک‌های جنگی را انتخاب کرده

لاسه را تصویب نکرده است و هیچ الزام قانونی برای تحویل رهبران آن ندارد. محاکمه واقعی در لاهه بعید است.

وضعیت برای اسرائیل ویرانگرتر از حماس، یک سازمان تروریستی است. برخی از رهبران غربی از دادگاه بین‌المللی لاهه به دلیل ادعای هم‌ارزی رهبران حماس و نخست‌وزیر اسرائیل انتقاد کرده‌اند. در صورت اجابت درخواست دادستان، آن‌ها از نظر قانونی ملزم به دستگیری نتانیاها در صورت سفر به کشورهایشان خواهند بود.

با این حال، مقامات امنیتی اسرائیل به سیاستمداران هشدار می‌دهند که خودداری از کمک‌های بشردوستانه در اوایل جنگ می‌تواند منجر به مشکلات آینده شود، مانند خودداری از بیانیه‌های بمباران در مورد محاصره غزه.

[is.gov/cAGram](https://www.israel.gov/cAGram)

دادگاه کیفری، نتانیاها را نجات داد

اسرائیل را به نسل‌کشی متهم می‌کند؛ اما پس از صدور این حکم و قرارداد اسرائیل و رهبران حماس در یک کفه‌ی مساوی ترازو، باعث ایجاد خشم مردم و حتی حمایت آنان از نتانیاها شده است؛ حتی برخی از مخالفان نتانیاها نیز در این کارزار، اعتراض خود را نسبت به این حکم دادستانی نشان دادند و علیه این حکم اعتراضاتی داشتند.

ایهود اولمرت، نخست‌وزیر سابق اسرائیل و منتقد سرسخت نتانیاها گفت که پیوند دادن نتانیاها به رهبران حماس درکش برای مردم سخت است و نمی‌تواند این موضوع را قبول کنند. شما یک قاتل را با نخست‌وزیر اسرائیل که مسئول تأمین امنیت مردم است، یکی می‌کنید، این مسئله‌ای است که اسرائیلی‌ها نمی‌توانند بپذیرند و این به نفع نتانیاها است؛ زیرا آن‌ها بیشتر از این یهودستیزی منجر می‌شوند.

<https://tinyurl.com/24al7m3>



پولیتیکو

جیمی دتمرا

درست زمانی که به نظر می‌رسید دوران اوج قدرت بنیامین نتانیاها به پایان رسیده است، دادگاه کیفری بین‌المللی برای نجات او اقدام کرد. کابینه جنگی شکننده نخست‌وزیر اسرائیل پس از اینکه در آستانه فروپاشی قرار گرفت، گانتز تهدید کرد در صورتی که نتانیاها یک الگوی مناسب پس از جنگ برای نحوه اداره غزه ارائه ندهد از دولت کناره‌گیری می‌کند.

این اولتیماتوم فشار سیاسی بسیار زیادی بر نتانیاها وارد و درگیری‌ها را تشدید کرد. امروز، به نظر می‌رسد که شورش این ژنرال بازنشسته به لطف اعلام صدور حکم بازداشت برای نتانیاها، یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل و سه رهبر از حماس است، در حال به ثمر رسیدن است. بنیامین نتانیاها، به دلیل تشابهاتی بین رهبران اسرائیل و حماس مورد انتقاد قرار گرفته، اقدامی که نگرانی بین‌المللی را برانگیخته است. حکم

دستگیری دیوان بین‌المللی کیفری علیه مقامات حماس به‌عنوان یک شکست اخلاقی مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا آن‌ها به‌عنوان تحریف عمیق عدالت و ورشکستگی اخلاقی تلقی می‌شوند. اسرائیل

از زمانی که شبهه‌نظامیان حماس حدود هزار و ۲۰۰ اسرائیلی را کشتند و ۲۵۰ نفر دیگر را گروگان گرفتند، در غزه جنگ به راه انداخته است. تعداد کشته‌شدگان نگرانی بین‌المللی را برانگیخته است و آفریقای جنوبی

تنها چیزی که آمریکا پس از شهادت «رئیس» از آن می‌ترسد

پولیتیکو

الکساندر وارد/ جانانان لمیرا

دولت بایدن واکنش ایران به فوت رئیس‌جمهورش را زیر نظر دارد و انتظار دارد وضعیت منطقه‌ای حفظ شود و در عین حال در مورد اتهامات احتمالی که می‌تواند تنش‌ها با اسرائیل را تشدید کند، محتاط است. مقامات ارشد آمریکایی انتظار دارند پیش از اینکه ایران، تحت رهبری اسلام‌گرایان، رئیس‌جمهور جدید را انتخاب کنند، تغییراتی در سیاست‌های خودشان اتخاذ کنند. علی‌خامنه‌ای، رهبر ایران همچنان بالاترین مقام است. بلا تکلیفی سیاسی

فعلی، درباره انتخاب رئیس‌جمهور بعدی است. دولت بایدن معتقد است که ایران برای ایجاد تغییرات عمده در سیاست‌های منطقه‌ای خود، از جمله کمک به نیروهای نیابتی که بسیاری از کشورهای عربی، اسرائیل و آمریکا را آزار می‌دهند، گرفتار معماهای پیچیده خود خواهد شد.

این حادثه تنها چند هفته پس از آن رخ داد که اسرائیل برخی از فرماندهان ارشد نظامی ایران را در سوریه کشت و منجر به پرتاب بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک بالستیک تهران به سوی اسرائیل شد. رئیس‌جمهور جو بایدن به ارتش آمریکا

دستور داد تا حمله را در زمان دقیق خنثی کنند و برخی از کشورهای عربی به اسرائیل در حفاظت از مردم، تأسیسات نظامی و زیرساخت‌های غیرنظامی خود کمک کردند. اسرائیل با یک حمله محدود در نزدیکی شهر اصفهان، محل استقرار ناوگان جنگنده‌های اف-۱۴ تامکت ایران، پاسخ داد. تنش‌ها بلافاصله پس از آن آرام شد و آمریکا، اسرائیل و ایران قصد تشدید بیشتر نداشتند. مقامات آمریکایی منتظر بودند ببینند آیا ایران به جای اینکه بگوید در محافظت از رئیس‌جمهور خود شکست خورده است، اسرائیل را مقصر می‌داند یا خیر؟ با این

حال، زمانی که ایران شرایط را از دست ندهد، احتمال یک درگیری منطقه‌ای گسترده‌تر کم بود. مخبر، یک سیاستمدار محافظه‌کار است که روابط عمیقی با رهبر معظم انقلاب دارد و در ستاد اجرایی فرمان امام، (یک مجموعه تحت کنترل [آیت‌الله] خامنه‌ای) در تلاش برای ساخت واکسن کرونا شرکت داشت و در بنیاد مستضعفان، (یک موسسه خیریه تحت کنترل [آیت‌الله] خامنه‌ای)، دارای سمت‌های ارشد بود و اکنون توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا تحریم شده است. B2n.ir/z12507

«تسلیت» آمریکا بابت شهادت «رئیس» نشانگر یک آیین دیپلماتیک است

نیویورک تایمز مایکل کراولی |

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای کوتاه توسط متیو میلر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، درگذشت ناگهانی ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران را تسلیت گفت. این بیانیه هیچ غم و اندوهی برای رهبر ایران، که مکرراً از آمریکا انتقاد می‌کرد و گمان می‌رود حملات نیروهای نیابتی مورد حمایت ایران در عراق و سوریه به نیروهای آمریکایی را چشم‌پوشی کرده بود، نشان نداد. منتقدان دولت ایران استدلال کردند که آمریکا نباید اصلاً چیزی بگوید یا رئیسی را به شدت محکوم کند، کاری که میلر بعداً در هنگام پرسش و پاسخ با خبرنگاران در یک جلسه توجیهی روزانه انجام داد. این بیانیه بر قدم محکمی تأکید می‌کند که دولت آمریکا، باید پس از مرگ یک رهبر خارجی منفور بردارد. مقامات آمریکا در طول سال‌ها، پس از مرگ دیکتاتورهای متخاصم در مکان‌هایی مانند اتحاد جماهیر شوروی، کره شمالی و ونزوئلا بارها با این معضل مواجه شده‌اند. در مورد رئیسی، بیانیه آشکارا میلر صرفاً به مرگ رئیس‌جمهور اذعان کرد و یک



کرده‌اند و روابط با کشورهایشان مسموم شده است که هیچ بیانیه‌ای نمی‌تواند این کار را انجام دهد. در دسامبر ۲۰۱۱، کاخ سفید اعلام کرد که اواما یک تماس تلفنی در نیمه شب با همتای کره جنوبی خود برای گفت‌وگو در مورد وضعیت شبهه‌جزیره کره پس از مرگ کیم جونگ ایل برقرار کرد. در مورد ظالمان بدنام مانند جوزف استالین، رئیس‌جمهور دوایت آیزنهاور پس از سکنه مغزی استالین پاسخی صادر کرد. آیزنهاور، یک ژنرال ارتش، نیروهای متفقین در اروپا را به طور مشترک با ارتش شوروی استالین علیه آلمان نازی رهبری کرده بود. با این حال، تا سال ۱۹۵۳، استالین یکی از دشمنان سرسخت آمریکا بود. در بیانیه‌ای پس از سکنه مغزی استالین، آیزنهاور هیچ ارزیابی از خود استالین ارائه نکرد و گفت: «آمریکا به همه مردم اتحاد جماهیر شوروی، زن و مرد، پسر و دختر در شهرها و روستاها تسلیت می‌گوید.» وی افزود که میلیون‌ها نفر در روسیه در اشتیاق ما برای داشتن جهانی دوستانه و صلح‌آمیز بدون توجه به هویت شخصیت‌های دولتی شریک هستند.

B2n.ir/y35210

منتشر کرد که در آن هیچ پشیمانی واقعی از مرد قدرتمند ضد آمریکایی ابراز نشد. بیانیه اواما پس از مرگ فیدل کاسترو، دیکتاتور سابق کوبا در نوامبر ۲۰۱۶ توصیفی‌تر بود و دست دوستی را به مردم کوبا نشان می‌داد. با این حال، او از قضاوت در مورد سوابق اساسی کاسترو اجتناب کرد و اظهار داشت که تاریخ، تأثیر عظیم حکومت او بر مردم و جهان اطرافش را ثبت و قضاوت خواهد کرد. برخی از رهبران، مانند کیم جونگ ایل، دیکتاتور کره شمالی، چنان توهین

نکنه سیاسی ایجاد کرد که دستگاه سیاسی ایران چیزی جز تسلیت خواهد یافت. با این حال، همچنان خشم مخالفان ایران را برانگیخت، زیرا آن‌ها رئیس‌جمهور بایدن را بیش از حد مصالحه‌کننده در قبال ایران می‌دانند. سناتور جمهوری خواه تام کاتن از آرکانزاس، در سایت شبکه اجتماعی ایکس تسلیت برای مرگ «هیولا» را شرم‌آور خواند. این بیانیه یک سابقه واضح داشت: «پس از مرگ هوگو چاوز، رئیس‌جمهور ونزوئلا، رئیس‌جمهور باراک اواما بیانیه‌ای را با هدف مردم این کشور

رابطه هم‌سویی چندجانبه با پایان یافتن هژمونی جهانی آمریکا

سورین

افول آمریکا

مؤرخان جهان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آنانی که می‌گویند آمریکا در حال افول است و آنانی که می‌گویند آمریکا در حال اوج است.

روزنامه

۷



هیل

اندرو لاتهام |

«پکس امریکانا» (لفظی است در خصوص مفهوم صلح نسبی در نیم کره غربی و بعدتر در جهان در نتیجه برتری قدرت آمریکا که از میانه قرن بیستم شروع شده و تاکنون ادامه دارد) را فراموش کنید. بره تک‌قطبی، آن فاصله کوتاهی که آمریکا در آن سلطنت می‌کرد، به پایان رسیده است. ظهور چین، همراه با نارضایتی فزاینده از نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین بناشده به رهبری آمریکا، عصر جدیدی را آغاز کرده است؛ جهانی چندقطبی با مراکز متعدد قدرت که برای نفوذ در یکدیگر می‌جنگند.

این تغییر پویا مستلزم یک استراتژی جدید سیاست خارجی از سوی همه کشورها است. وارد شدن به چند هم‌سویی، پاسخی استراتژیک به این واقعیت چندقطبی جدید که شامل مشارکت کشورها در میان شکاف‌های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیکی برای پیشبرد منافع ملی خود می‌شود.

برخلاف اتحادهای سفت و سخت جنگ سرد، هم‌سویی چندجانبه مستلزم انعطاف‌پذیری استراتژیک است که به کشورها قدرت می‌دهد تا در پیچیدگی‌های یک جهان چندقطبی حرکت کنند. این مشارکت‌ها اغلب بر اساس موضوع خاص و غیردائمی هستند و به کشورها اجازه می‌دهند تا با قدرت‌های بزرگ مختلف بسته به زمینه موجودشان همکاری کنند. به عنوان مثال، یک کشور ممکن است در مسائل امنیت منطقه‌ای با آمریکا شریک شود و در عین حال روابط اقتصادی خود را با چین برقرار کند. این سازگاری تضمین می‌کند که منافع ملی یک کشور در اولویت قرار دارند حتی اگر همکاری با یک قدرت خاص مضر باشد، آن‌ها می‌توانند تمرکز خود را تغییر دهند و به دنبال مشارکت در جای دیگری باشند.

این رویکرد ویژه برای قدرت‌های متوسط جذاب است. این کشورها، با نفوذ فزاینده، اما نه دسترسی جهانی ابر قدرت‌ها، می‌توانند از ظرفیت استراتژیک خود برای استخراج منافع از شرکای مختلف درون سیستم چندقطبی استفاده کنند. آن‌ها می‌توانند منابع حیاتی را تأمین کنند، فرصت‌های اقتصادی خود را گسترش دهند و تأثیر بیشتری در صحنه

کند. موفقیت هم‌سویی چندجانبه در تقویت صلح و امنیت به یک اقدام متعادل کننده ظریف بستگی دارد. قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و جهانی باید توازن قوای باثباتی را ایجاد و حفظ کنند، زیرا تسلط کنترل نشده می‌تواند بی‌ثباتی ایجاد کند. قدرت‌های بزرگ می‌توانند با مشارکت در گفت‌وگوهای راهبردی، ترویج ابتکارات امنیتی منطقه‌ای و اجتناب از اقداماتی که تعادل را به سمت مزیت یک‌جانبه متمایل می‌کند، مشارکت کنند. این امر مانع از رقابت نمی‌شود، اما همزیستی مسالمت‌آمیز را در یک چارچوب تضمین می‌کند.

موفقیت هم‌سویی چندجانبه به تعهد به چابکی استراتژیک و درک دقیق از منافع ملی بستگی دارد. قدرت‌های بزرگ باید اقداماتی را در اولویت قرار دهند که تعادلی پایدار را ترویج می‌کند و از مانورهای یک‌جانبه‌ای که می‌تواند موجب تنش‌های منطقه‌ای شود یا درگیری‌های ناپذیری را شعله‌ور کند، اجتناب کنند. با پذیرش این پویایی جدید و کار مشترک در چارچوب احترام متقابل، جامعه بین‌المللی می‌تواند از تغییر چندقطبی برای ایجاد نظم جهانی صلح‌آمیزتر و مرفه‌تر استفاده کند.

دوران سلطه به پایان رسیده و زمان یک اقدام موازنه استراتژیک آغاز شده است. tinyurl.com/22b6ytqd

اقتصادی و حمایت دیپلماتیک در منطقه است. مسائل آسیای جنوب شرقی، مانند ویتنام و اندونزی، روابط دفاعی خود را با آمریکا تقویت و در عین حال روابط اقتصادی خود را با چین حفظ کرده است، در حالی که در تمرینات نظامی مشترک با آمریکا و چین شرکت می‌کند. این استراتژی هم‌سویی چندجانبه به این کشورها اجازه می‌دهد تا در مقابل سلطه چین محافظت کنند و در عین حال دسترسی به بازارهای حیاتی در چشم‌انداز اقتصادی چندقطبی را تضمین کنند. با این حال، فرسایش بلوک‌های مشخص ژئوپلیتیکی خطرات بالقوه‌ای مانند چشم‌انداز بین‌المللی سیال تر و غیرقابل پیش‌بینی تر، تشدید رقابت برای نفوذ بین قدرت‌های بزرگ و چالش برانگیزتر کردن هماهنگی پاسخ‌ها به بحران‌های جهانی را به همراه دارد.

ظهور هم‌سویی چندجانبه در روابط بین‌الملل مستلزم تغییر از طرز فکر رقابت با بازی «مجموع صفر» به چارچوب‌های متحرک است که به نگرانی‌های طیف وسیع‌تری از بازیگران و نه فقط متحدان سنتی رسیدگی می‌کند. این امر ثبات را تضمین و پیچیدگی‌های چندقطبی را کنترل می‌کند. تقویت سازمان‌های منطقه‌ای می‌تواند بسترهایی را برای گفت‌وگو و همکاری در مورد نگرانی‌های مشترک، حتی بین رقبای سابق، فراهم

بین‌المللی داشته باشند. در اصل، هم‌سویی چندجانبه به قدرت‌های متوسط اجازه می‌دهد تا در چند جناح بازی کنند و دستاوردهای استراتژیک خود را در یک چشم‌انداز چندقطبی به حداکثر برسانند. غرب آسیا تحت تأثیر هم‌سویی چندجانبه به طرز چشمگیری در حال تغییر است. زمانی که منطقه‌ای توسط یک سیستم ائتلافی سفت و سخت به رهبری آمریکا تعریف شد، ظهور چین در حال باز نویسی روایت است. یک نمونه قدرتمند از این تحول، موفقیت اخیر چین در میانجی‌گری برای گرم کردن روابط بین رقبای منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان است. این شاهکار دیپلماتیک بی‌سابقه بر قدرت دگرگون‌کننده هم‌سویی چندجانبه تأکید می‌کند، زیرا متحدان سنتی دیگر به پیوندهای ژئوپلیتیکی سفت و سخت یا عضویت گذشته در یک بلوک محدود نیستند، بلکه آزادند تا شرکتهایی را بر اساس منافع خاص دنبال کنند.

ظهور هم‌سویی چندجانبه در جهان چند قطبی فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد می‌کند. در غرب آسیا، عربستان در حال تعمیق روابط اقتصادی با چین برای سرمایه‌گذاری و تنوع است، در حالی که روابط امنیتی خود را با کشورهای حوزه خلیج فارس مانند امارات حفظ کرده است. مشارکت با چین و روسیه را تقویت کرده و به دنبال فرصت‌های

برای «فرودهای سخت» بیشتر در غرب آسیا آماده شوید!

منطقه

روزنامه

می تواند رخ دهد. به همین ترتیب، به عربستان می‌رسیم، اگر محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان که به دلیل سرکوبگری و مرگ خاشقچی از یک منفوریت خاصی برخوردار شد؛ به هر دلیلی دچار این سقوط سخت شود؛ رهبر جدید عربستان چه مسیری را پیش خواهد برد؛ اگر رهبر جدید عربستان به طور کامل به مسکو یا پکن روی آورد و از توپین‌های بی‌مورد واشنگتن به تنگ آید، این چه معنایی برای واشنگتن خواهد داشت؟

البته در طرف دیگر منطقه غرب آسیا، اسرائیل را داریم که انتقالات قدرت معنای خاصی را ندارد. اسرائیل یک دموکراسی است و هر کسی را که مردمش می‌خواهند به آن‌ها حکومت را تحویل می‌دهند و مسیر آینده برعکس تمایلات واهی و زیاده‌خواهی یک نفره حول خواسته مردم پیش می‌رود. اسرائیلی‌ها امنیت می‌خواهند و ایرانی‌ها خواهان آزادی هستند. استراتژی بهتر آمریکا این است که هر دو را برای این دو ملت دنبال کند و آنان را به خواسته‌شان برساند.

<https://tinyurl.com/28hscgzl>



قدرت غرب آسیا هستند؛ ممکن است نامزدهای آشکاری برای «فرود سخت» باشند، برای مثال اگر ملک عبدالله دوم، پادشاه اردن یا عبدالفتاح السیسی، رئیس‌جمهور مصر، ناگهان خود را در لبه پرتگاه ببینند، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا ستون‌های ثبات این کشورها در منطقه می‌تواند ترک بخورد؟ ارتش مصر احتمالاً ثبات را تضمین می‌کند، اما اردن با اینکه ولیعهدی آماده به دست گرفتن سکان هدایت کشورش دارد، تمام خانواده حاکم همچنان به فساد و سوء مدیریت خود ادامه می‌دهند و در این سناریو یک کابوس به تمام معنا

که همچنین از طرف دیگر کاخ سفید به طور فزاینده‌ای نسبت به او دوستانه شده است، اما وضعیت معاملات و رویکرد او بهبود نمی‌یابد. خلائی که ترکیه پس از سلطنت اردوغان با آن مواجه خواهد شد، این کشور را بی‌ثبات خواهد کرد، بدون اینکه جانشین مشخصی برای پیش برد اهداف او وجود داشته باشد. البته که گروه‌های به حاشیه رانده شده برای بازگشت خود برنامه‌ریزی می‌کنند و قطعاً برنامه‌های بسیاری از هم‌اکنون برای سقوط او چیده شده است. [آیت‌الله] خامنه‌ای، اردوغان و بسیاری دیگر از افرادی که در صدر

واشنگتن اگزمینر مایکل روبین

ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در حادثه‌ای که رسانه‌های ایرانی ابتدا آن را «فرود سخت» توصیف کردند، جان باخت. اینکه ایرانیانی با آتش‌بازی جشن گرفتند، نشان دهنده تنفری است که ایرانیان با آن حکومت سرکوبگر دارند. این امر باید هشدار برای این حکومت باشد؛ شاید فوت رئیسی تأثیر چندانی نداشت، اما قطعاً با درگذشت [آیت‌الله] خامنه‌ای تغییری اساسی رخ می‌دهد.

تسلیم اتحادیه اروپا به مناسبت درگذشت رئیسی نشان دهنده کوری اخلاقی در قلب سیاست اروپاست. آمریکا باید تمرکز خود را از بازی‌های سیاسی کم‌اهمیت در مورد قدرت داخلی کشورهای مختلف، بر اصل رهبری ایران که همه‌کاره است تمرکز کند. [آیت‌الله] خامنه‌ای تا حدی از پا درآمده و توانسته است که به سختی یک دوران بسیار جدی را پشت سر بگذارد. در این حین بازیگرانی مطرح دیگری نیز وجود دارند که این «فرود سخت» به شدت در انتظار آنان است؛ در این لیست ما رجب طیب اردوغان را داریم

ساوت چاینا مورنینگ پست

چین با اعمال فشار بر طالبان افغانستان از پروژه‌هایش در پاکستان محافظت می‌کند

چین با استفاده از نفوذش در میان طالبان افغانستان و با وارد کردن فشار روی رژیم این گروه در کابل، تلاش می‌کند از پروژه‌های اقتصادی‌اش در پاکستان که با تهدید مواجهند، محافظت کند. روزنامه ساوت چاینا مورنینگ پست در مطلبی نوشت: «پاکستان در جلوگیری از افزایش حملات به پروژه‌ها و شهروندان چینی در آن کشور ناکام مانده و به همین دلیل دیپلمات‌های چینی وارد عمل شده‌اند و تلاش می‌کنند با اعمال فشار بر طالبان افغانستان که در میان شبهه‌نظامیان پاکستانی نفوذ زیادی دارند، مانع از حمله به پروژه‌های اقتصادی چین در پاکستان شوند.» این رسانه فاش کرد که چین به طالبان افغانستان اعلام کرده است چنانچه بتوانند شبهه‌نظامیان عامل این حملات را مهار کند، این کشور در افغانستان سرمایه‌گذاری خواهد کرد. از زمان خروج آمریکا از افغانستان و بازگشت طالبان به قدرت، چین از نزدیک‌ترین دولت‌ها به طالبان بوده و سرمایه‌گذاری هنگفت در معادن مس، طلا و نفت افغانستان را وعده داده است.

ibit.ly/YoU8W

سایر خبرها

رویترز

پوتین آمادگی دارد به جنگ با اوکراین خاتمه دهد

خبرگزاری رویترز به نقل از چهار منبع آگاه گزارش داد که ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، آماده است که با شرکت در مذاکرات آتش‌بس، به جنگ با اوکراین خاتمه دهد، وگرنه به جنگ ادامه خواهد داد. یک مقام روسی که نامش فاش نشده، به رویترز گفته که پوتین می‌تواند تا هر زمان که لازم باشد به جنگ ادامه دهد، ولی او برای پایان جنگ هم آماده است. در واکنش به این اظهارات، وزیر خارجه اوکراین، دمیترو کولبا، در صفحه «ایکس» ادعای ابراز آمادگی پوتین برای پایان جنگ را «علائمی جعلی» خواند که با هدف منحرف کردن نشست ماه آینده در سوئیس با موضوع صلح اوکراین ارسال شده است. وزیر خارجه اوکراین اضافه کرد: «پوتین در حال حاضر، هیچ‌گونه تمایلی برای پایان دادن به تهاجم علیه اوکراین ندارد.» به نوشته دمیترو کولبا، «صرفاً صدای متعهد و متحد اکثریت جامعه جهانی قادر است او را وادار کند که صلح را بر جنگ ترجیح دهد.»

ibit.ly/d795e

تلاش‌های آمریکا علیه دادگاه لاهه



ریل کلیر وولد برت اسکافرا

پیش از دو دهه است که حامیان دیوان کیفری بین‌المللی [ICC] از آمریکا خواسته‌اند که «اساسنامه رم» را تصویب کند و به دادگاه بپیوندد؛ اما چندین دولت آمریکا از هر دو طرف، نگران این بودند که دیوان کیفری بین‌المللی فاقد ضمانت‌هایی در برابر دست کاری سیاسی است و با ادعای صلاحیت قضایی بر اتباع و پرسنل نظامی کشورهای غیر حزب، حاکمیت ملی را نقض می‌کند.

دادگاه کیفری بین‌المللی نگرانی‌ها را با تصمیم خود برای صدور حکم قضایی علیه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و یوئل گالانت، وزیر دفاع، تأیید کرده است. این سیاسی شدن دیوان کیفری بین‌المللی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی بخشی از تلاش تشکیلات خودگردان فلسطین برای مسلح کردن سازمان‌های بین‌المللی در مناقشه خود با اسرائیل و به رسمیت شناختن آن بدون توافق صلح است. فلسطینی‌ها در سال ۲۰۰۹ اعلامیه‌ای به دیوان کیفری بین‌المللی تسلیم کردند که صلاحیت دادگاه را در قلمرو خود پذیرفت. دیوان بین‌المللی کیفری این اعلامیه را رد

کرد زیرا این کشور، دولتی به رسمیت شناخته نشده توسط سازمان ملل متحد بود. در عوض، فلسطینی‌ها به دنبال به رسمیت شناخته شدن در سازمان ملل بودند که در سال ۲۰۱۲ به دلیل مخالفت آمریکا، به «دولت فلسطین» وضعیت ناظر غیرعضو اعطا کرد. آمریکا با تلاش‌های فلسطینی‌ها برای عضویت کامل در سازمان ملل مخالفت و اعلام کرده است که اقدامات زود هنگام در نیویورک، منجر به ایجاد کشوری برای مردم فلسطین نخواهد شد. با وجود این، دیوان بین‌المللی کیفری فلسطین را به عنوان یک کشور به رسمیت شناخت و الحاق آن را به اساسنامه رم در سال ۲۰۱۵ پذیرفت. دادگاه کیفری بین‌المللی متهم شده است که تلاش‌های قانونی فلسطین را علیه

اسرائیل، آسیب رساندن به چشم‌انداز صلح از طریق به رسمیت شناختن کشور فلسطین و ادعاهای ارضی آن، ادعای صلاحیت قضایی بر شهروندان اسرائیلی، حتی اگر اسرائیل صلاحیت دادگاه بین‌المللی کیفری را رد کرده و نادیده گرفتن توانایی و تمایل نشان داده شده اسرائیل، در نظر گرفته است. برای رسیدگی به جنایات آمریکا با این استدلال که دیوان کیفری بین‌المللی کیفری فاقد صلاحیت است، مخالفت شده، زیرا اسرائیل یکی از طرف‌های اساسنامه رم نیست و فلسطینی‌ها به عنوان یک کشور مستقل واجد شرایط نیستند. بیانیه دادستان قابل اعتراض است زیرا به طور ضمنی ادعاهای ارضی فلسطین را خارج از توافق

مذاکره شده با اسرائیل تأیید می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی همچنین به دنبال صدور حکم بازداشت برای رهبران حماس در ارتباط با قتل، تجاوز و ربودن صدها غیرنظامی اسرائیلی در روز ۱۷ اکتبر بوده است. در عوض، دادگاه اسرائیل را متهم می‌کند که می‌خواهد باعث رنج و گرسنگی شود، حتی اگر اسرائیل تمام تلاش‌های فوق‌العاده‌ای را برای تخلیه فلسطینی‌ها از خطر و تسهیل کمک‌های بشردوستانه انجام داده است.

دیوان کیفری بین‌المللی تحقیقاتی را در مورد اقدامات آمریکا در افغانستان آغاز کرده است که آمریکا آن را رد کرده است و منجر به تحریم مقامات دیوان بین‌المللی کیفری و فشار سیاسی شده است. حداقل، آمریکا باید هرگونه همکاری و حمایت از دیوان کیفری بین‌المللی و تحقیقات آن را متوقف کند.

برای محافظت از حاکمیت و حفظ انگیزه‌ها برای مذاکرات صلح آینده، آمریکا باید اعتراض شدید خود را به این تلاش غیرقانونی دیوان بین‌المللی کیفری و فلسطینی‌ها برای خنثی کردن تلاش‌های اسرائیل برای دفاع از خود نشان دهد.

is.gd/TG2fgn

العربيه

رئیس جمهور تایوان به دنبال جنگ است

پکن لای چینگ-ته، رئیس جمهور جدید تایوان را به تحریک برای آغاز جنگ متهم کرد. وو چیان، سخنگوی وزارت دفاع چین، اعلام کرد که لای چینگ-ته جزیره خودمختار تایوان را به سوی جنگ هدایت می‌کند.

وو چیان گفت هر بار که تایوان به سمت استقلال حرکت کند، چین اقدامات جدی تری انجام خواهد داد تا این جزیره را به «سرزمین مادری» برگرداند. چین ادعا می‌کند که تایوان بخشی از خاکش است و حمایت آمریکا از تایوان را دخالت در امور داخلی خود می‌داند. ارتش چین برای دومین روز متوالی در اطراف تایوان مانورهای نظامی برگزار کرد. این تمرینات شامل شبیه‌سازی تصرف مناطق کلیدی و بمباران کشتی‌های خارجی بود. چین می‌گوید این رزمایش‌ها برای مجازات رئیس جمهور جدید تایوان است که تازه به این مقام رسیده است.

تحلیل‌گران و مقامات تایوانی می‌گویند که دامنه این تمرینات نظامی نسبت به سال گذشته کوچک‌تر است، ولی هنوز خطر بروز حوادث و سوءتفاهم را به همراه دارد. آن‌ها معتقدند که چین می‌خواهد نشان دهد که می‌تواند رئیس جمهور تایوان را کنترل کند.

ibit.ly/upeRB

سایر خبرها

رویترز

آمریکا و اروپا در باره رویارویی با ایران در آژانس اختلاف نظر دارند

خبرگزاری رویترز با انتشار گزارشی به موضوع اختلاف نظر کشورهای اروپایی و آمریکا درباره نوع مواجهه با برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران پرداخت و به نقل از برخی دیپلمات‌ها نوشت که آمریکا و سه متحد اصلی اروپایی آن بر سر اینکه آیا باید با برنامه هسته‌ای تهران از طریق قطعنامه‌ای جدید در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مقابله کنند یا خیر، اختلاف نظر دارند. این اختلاف نظر در حالی است که تازه‌ترین جلسه شورای حکام ۱۰ روز دیگر آغاز خواهد شد. رویترز به نقل از یک دیپلمات ارشد اروپایی نوشت: «تعامل با جمهوری اسلامی ایران بسیار دشوار و سطح تخلف‌های این کشور به سابقه است. هیچ کاهشی در برنامه هسته‌ای تهران وجود ندارد و برای همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز حسن نیت واقعی نشان نمی‌دهد.» از آخرین باری که شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شامل ۳۵ کشور قطعنامه‌ای علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد، ۱۸ ماه می‌گذرد. در آن قطعنامه، به تهران دستور داده شد با تحقیقات آژانس در مورد ذرات اورانیوم یافت شده در سه سایت اعلام نشده فوراً همکاری کند.

ibit.ly/VlJeQ

تأثیر شهادت «رئیس» بر آسیای میانه و خلیج فارس



نایمز آسیای میانه رابت کاتلرا

شهادت ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلیکوپتر تأثیرات مهمی بر سیاست داخلی و سیاست خارجی ایران خواهد داشت. این موضوع نه تنها شامل روابط ایران با ارمنستان و آذربایجان به طور مستقیم می‌شود، بلکه به طور غیرمستقیم بر روندهای مسیر تجارت بین‌المللی ترانس خزر و کریدور ترانزیتی بین‌المللی شمال جنوب [INSTC] نیز تأثیر می‌گذارد. به‌رغم تئوری‌های توطئه، تنها فرضیه منطقی برای این سقوط، این است که خلبان عمداً هلیکوپتر را به زمین کوبیده است.

رئیس برای عادی‌سازی روابط با آذربایجان تلاش‌های بسیاری کرد و به‌عنوان یک رهبر بالقوه، حتی محتمل برای رهبری آینده ایران، یعنی جانشین [آیت‌الله] خامنه‌ای دیده می‌شد. اما اکنون دور از ذهن نیست که شهادت او منجر به تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی تهران و موجی از رادیکال شدن این کشور شود. این درگذشت مرموز، نتیجه‌اش به هدف دسیسه‌های نخبگان تئوکراتیک و امنیتی بستگی دارد که ترتیبات رسمی سازمانی و قانون اساسی را تعیین می‌کنند.

رئیس جمهور ایران قدرتمندترین فرد در نظام سیاسی این کشور نیست، اما همچنان تأثیرگذار است. رئیس به دنبال بهبود روابط با آذربایجان، از جمله پروژه‌های آبی و حمل‌ونقلی بود. این ابتکارات اکنون ممکن است با تأخیر انجام شود. البته که اهمیت استراتژیک ایروان در پی روابط تهران با مسکو کاهش نخواهد یافت. در واقع، همکاری نظامی و صنعتی دوجانبه آن‌ها تنها پس از تشدید مجدد جنگ تجاوزکارانه روسیه افزایش یافته است. در عین حال، روابط تهران با باکو به دلایل متعددی پیچیده‌تر شده است. مذاکرات ارمنستان و آذربایجان نیز اکنون بدون میانجی‌گری شخص ثالث ادامه دارند. آخرین نشست سطح بالای این دو کشور در آلماتی در تاریخ ۱۰ تا ۱۱ می برگزار شد. مرزبندی حساس تووز آغاز شده است و گروه روسی

به همه این دلایل، شهادت رئیسی و بحران جانشینی پیرامون او، موانع بیشتری بر سر راه اجرای کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال-جنوب [INSTC] ایجاد می‌شود، یک طرح زیرساختی که روسیه را به ایران و احتمالاً به هند از طریق بندر چابهار متصل می‌کند، به دلیل چنین اتفاقی می‌تواند از بین برود.

در واقع، شهادت رئیسی درست چند روز پس از امضای قرارداد هند با ایران برای توسعه بیشتر پروژه چابهار رخ می‌دهد که بیش از یک دهه از کار افتاده بود. چند ساعت پس از امضای این قرارداد، آمریکا هشدار داد که طرف‌های شرکت‌کننده ممکن است با تحریم‌هایی از سمت آمریکا مواجه شوند و باید صادقانه بگویم که پروژه‌های زیربنایی در شرق ایران، هرگز معامله‌های خوبی نیستند و اجرای آنان در دسرهای بیشتری دارد. در حال حاضر «کریدور میانی» با محوریت آذربایجان و مسیر حمل‌ونقل بین‌المللی ترانس خزر که با همکاری قزاقستان توسعه می‌یابد؛ شانس بسیار بیشتری برای تحقق دارند و در واقع با حمایت قوی مؤسسات مالی بین‌المللی در حال انجام هستند و ایران باید بر این معاملات تمرکز خود را حفظ کند.

<https://tinyurl.com/2aqmzqyh>

جهان را پیچیده کند. خلاص ریاستی که در اثر شهادت غیرمنتظره رئیسی ایجاد شد، میزان تعهد دولت به کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال جنوب را نیز زیر سؤال می‌برد؛ کریدوری که بر آذربایجان به‌عنوان حلقه‌ای کلیدی بین روسیه و ایران متکی است. عدم اطمینان ناشی از جانشینی سیاسی، در فرآیندهای تصمیم‌گیری تأخیر ایجاد می‌کند و احتمالاً مذاکرات متوقف شود و حتی توافق‌هایی که برای پیشرفت این کریدور حیاتی هستند، معکوس شوند. همان‌طور که گفته شد، رئیس به‌عنوان یک شخصیت تثبیت‌کننده تلقی می‌شد که به دنبال همکاری با آذربایجان بود و برای این شراکت بسیار حیاتی بود. یک رئیس جمهور که کمتر از او متعهد باشد، یا حتی یک رئیس جمهور متخاصم با باکو، می‌تواند روابط را تیره‌وتار کند و پیشرفت کریدور را تبدیل به یک جریان معکوس کند. درگیری‌های سیاسی و ناآرامی‌های عمومی بالقوه می‌تواند اجرای پروژه‌های زیربنایی و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی را به تأخیر بیندازد. حتی اگر ظاهراً ثبات سیاسی دوباره برقرار شود، باز هم سرمایه‌گذاران و شرکای بین‌المللی ممکن است در تأمین بودجه لازم تردید کنند.

که طبق توافق دوجانبه به مرزبانان ارمنستان کمک می‌کردند، قبلاً از آن منطقه خارج شده‌اند و ارمنستان در فروردین ماه در نتیجه روند مذاکرات، چهار روستا را به آذربایجان بازگرداند. مسائل حل‌نشده‌ای هنوز از ادعاهای ارضی علیه آذربایجان در قانون اساسی ارمنستان و بازگشایی مسیرهای ترانزیتی منطقه‌ای وجود دارد. ابتکار نخست‌وزیر ارمنستان برای اصلاحات لازم در قانون اساسی، همراه با ابتکارات وی برای تعیین مرزها و ادامه مذاکرات صلح، اعتراضات ضد دولتی را در ارمنستان برانگیخته است که توسط بخش‌های مختلفی دامن زده می‌شود. دولت پاشینیان تلاش می‌کند تا بخش‌های دیاسپورای ارمنی را به نفع رویکرد «دولت محور و طرفدار دولت» بسیج کند، اما فعلاً کار بسیاری در پیش دارد.

بازگشایی کریدور زنگزور در سرتاسر جنوب ارمنستان از آذربایجان تا منطقه نخجوان، فقط تجارت و ارتباطات بین این دو را بهبود نمی‌بخشد. همچنین ارتباطات روسیه با ترکیه را نیز بهبود می‌بخشد و همچنین توسعه ترانس خزر را نیز تسریع می‌کند. در مقابل، شهادت رئیسی باعث می‌شود تا اجرای کریدور شمال جنوب و سپس مراحل اتصال بندر چابهار به هند و سایر نقاط

نیروهای آمریکایی به طور کامل نیجر را ترک خواهند کرد

تسک اند پرپس نیکلاس اسلیتون

آمریکا و نیجر به توافق رسیدند تا حدود ۱ هزار نیروی نظامی آمریکایی را تا ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۴ از این کشور آفریقایی خارج کنند. این تصمیم از مذاکراتی در نیامی گرفته شد، جایی که شورای ملی حفاظت از وطن (CNSP) اعلام کرد که نیروهای آمریکایی را از کشور بیرون می کند. نیجری یکی از چندین کشور آفریقای غربی از جمله بوركینافاسو و مالی است که تحت کنترل حکومت نظامی قرار گرفته است. در حال حاضر، کمتر از ۱ هزار پرسنل

نظامی آمریکایی در نیجر وجود دارد که تقریباً ۱۰۰ پرسنل نظامی قبلاً ترک کرده اند. توافقنامه خروج جدید با چندین پادمان و تضمین از سوی نیجر همراه است، از جمله حفاظت از نیرو، مجوزهای دیپلماتیک و سایر اقداماتی که به منظور توانمندسازی آمریکا برای خروج ایمن و منظم انجام می شود. آمریکا انتظار دارد خروج خود را قبل از مهلت ۱۵ سپتامبر تکمیل کند. آن ها اسلحه ها و پرسنل را خارج خواهند کرد، اما تجهیزات بزرگتر و غیرمتحرک مانند اماکن ساخته شده برای زندگی باقی خواهد ماند.

ارتش آمریکا سال ها حضور گسترده ای در نیجر داشته و دو پایگاه هوایی را اداره می کند، پایگاه هوایی ۱۰۱ در نیامی و پایگاه هوایی ۲۰۱ در آگادز. از زمان کودتای جولای، عملیات ضد تروریسم آمریکا از این پایگاه اساساً متوقف شده است و پهپادها فقط برای مأموریت های شناسایی با هدف حفاظت از نیروهای آمریکایی به آسمان می روند. مذاکرات در نیامی نظامی بود و هیئت آمریکایی مذاکرات با رهبران نظامی نیجریه را رهبری می کرد. اگرچه نیروهای آمریکایی در حال ترک نیجر هستند، سفارت آمریکا باز خواهد ماند و عملیات دیپلماتیک آمریکا

ادامه خواهد داشت. گزارش شده است که نیروهای روسی، مستشاران نظامی CNSP، در پایگاه هوایی در نیامی حضور دارند. این مقام ارشد دفاعی از مکان های خاص نیروهای روسی در نیجری بی اطلاع است، اما انتظار ندارد روسیه خلأ سربازان آمریکایی و فرانسوی را پر کند. ارتش نیجر همکاری آینده را رد نمی کند، اگرچه عملیات مشترک با آمریکا متوقف شده، اما نیروهای عملیات ویژه به انجام مستقل مأموریت های ضد تروریسم ادامه می دهند. هدف آمریکا حفظ روابط با نیجر است.

B2n.ir/s43793

برنامه آمریکایی مقابله با پهپادهای ایرانی چیست؟

وست پوینت جاشوا شوارتز

در حمله تاریخی ایران به اسرائیل در ۱۴ آوریل، اولین باری بود که ایران با استفاده از حدود ۱۷۰ پهپاد، مستقیماً از خاک خود به خاک اسرائیل حمله کرد. با این حال، نسل کنونی پهپادهای ایران دارای نقاط ضعفی هستند که کارایی آن ها را در برابر دشمنان پیچیده محدود می کند، به ویژه به دلیل حساسیت آن ها به پدافند هوایی. بیش از ۹۹ درصد از تمام تسلیحات ایرانی مورد استفاده در این حمله توسط اسرائیل و سایر کشورها رهگیری شد که نشان دهنده کمبودهای نظامی این سیستم ها است.

سرنگونی پهپادها معمولاً به سه دلیل ساده تر از دیگر ابزار جنگی هستند: «سرعت پرواز کندتر، اقدامات متقابل محدود و پارازیت سیگنال های ارتباطی بین خلبان ها و پهپادها». پهپادهای شاهد ۱۳۶ مورد استفاده در این حمله تنها می توانند حداکثر سرعت حدود ۱۱۵ مایل در ساعت پرواز کنند، در حالی که جنگنده ایرانی میگ-۲۹ دارای حداکثر سرعت نزدیک به ۱۵۰۰ مایل در ساعت است.

استفاده گسترده ایران از پهپادها علیه اسرائیل، کمبودهای نظامی این سامانه ها و پتانسیل آن ها برای محدود



کردن تشدید تنش و حفظ شهرت قدرتمندی را برای تصمیم گیری نشان می دهد. انتظار می رود رقابت بین پهپادها و سامانه های پدافند هوایی، نوآوری های آینده را به همراه داشته باشد و پهپادها کمتر سرنگون شوند. پهپادها می توانند با سرعت های بالاتر پرواز کنند، اقدامات متقابل پیچیده ای را انجام دهند. پهپادها در میدان نبرد مفید هستند، در استدلال هایی مبنی بر اینکه آن ها مزیت قابل توجهی برای حمله نسبت به دفاع دارند تا حدودی مبالغه شده است. کشورها نباید پهپادها را به عنوان قربانی در نظر بگیرند، به ویژه زمانی که

در برابر دشمنان با سیستم های پدافند هوایی نسبتاً پیشرفته عمل می کنند. حمله ایران به اسرائیل از منظر نظامی یا عملیاتی موفقیت خاصی نداشت، اما ممکن است از منظر سیاسی در دست یابی به دو هدف استراتژیک خود موفق بوده باشد: «محدود کردن تشدید تنش و حفظ شهرت بالای قاطعیت». بایدن به اسرائیل توصیه کرد که علیه ایران انتقام جویی نکند، اما اسرائیل تصمیم گرفت حمله خود را علیه یک سیستم پدافند هوایی در نزدیکی شهر اصفهان انجام دهد. این حمله کوچک، ماهیت محدودی داشت و خسارات کمی به بار آورد. اسرائیل در

ابتدا برای ضدحمله مهمتری علیه ایران برنامه ریزی کرده بود، اما در نهایت به دلیل فشارهای خارجی و ناکارآمدی حمله ایران، به انتقام کوچکتری رضایت داد. اسرائیل همچنین انگیزه هایی برای جلوگیری از تشدید تنش ها دارد، زیرا یک درگیری گسترده تر، آن را در موقعیت مخاطره آمیزی قرار می دهد که باید در یک جنگ سه جبهه ای علیه حماس در غزه، ایران در شرق و حزب الله در شمال لبنان بجنگد.

واکنش ایران به ضدحمله اسرائیل کم رنگ شده است که نشان می دهد تنش زدایی از بحران فوری محتمل است. استفاده از پهپادها و سایر سیستم های راه دور در حمله اولیه علیه اسرائیل یکی از دلایلی است که حکومت ایران تحت فشار کمتری برای پاسخگویی قاطع به انتقام جویی اسرائیل قرار داشت، که می توانست به تشدید ماری پیچ حملات و ضدحملات منجر شود. حمله ایران ممکن است به یک هدف سیاسی استراتژیک دیگر کمک کند، حفظ شهرت قوی برای تصمیم گیری. درس های حمله ایران برای جنگ مدرن این است که به رغم تأثیر نظامی ناچیز، ممکن است در خدمت اهداف سیاسی گسترده تر ایران باشد.

B2n.ir/h28043

فایننشال تایمز - میلنه / سدون روسیه ناتورا ناآرام کرد

تمام عیار به او کراین است. کشورهای ناتوا از جمله لیتوانی و فنلاند نسبت به افزایش حملات ترکیبی روسیه در ماه‌های اخیر از جمله حملات سایبری، مهاجرت اجباری و اقدامات خرابکارانه هشدار داده‌اند. وزارت دفاع روسیه گفت: «مرزهای فعلی در خلیج فنلاند و دریای بالتیک در نزدیکی منطقه کالینینگراد روسیه که با لیتوانی هم‌مرز است، به‌طور کامل با وضعیت جغرافیایی کنونی مطابقت ندارد.» وزارت امور خارجه لیتوانی گفت که این امر یک «تحریک عمدی، هدفمند و در حال تشدید با هدف ارباب کشورهای همسایه و جوامع آن‌ها» است. الکساندر اشتوب، رئیس‌جمهور فنلاند گفت: «روسیه در این مورد با فنلاند تماسی نداشته است.» فنلاند مانند همیشه عمل می‌کند؛ آرام و بر اساس واقعیت‌ها. الینا والتون، وزیر امور خارجه وی، گفت: «نهادینه کردن سردرگمی بخشی از تأثیرگذاری ترکیبی است.» کشورهای حوزه بالتیک با حمایت دیگر قدرت‌های اروپایی مانند انگلیس، آلمان و فرانسه هشدار داده‌اند که روسیه می‌تواند ظرف چند سال آینده به یکی از اعضای ناتو حمله کند؛ اما اشتوب ماه گذشته به فایننشال تایمز گفت که چنین حمله‌ای «بسیار بعید» است، زیرا فنلاند و ناتو برای این احتمال آماده می‌شوند.

is.gd/JMs36b

مسکو پس از طرح پیشنهادی برای ترسیم مجدد مرزهای روسیه در دریای بالتیک، محکومیت اعضای ناتورا برانگیخت. وزارت دفاع روسیه اوایل روز سه‌شنبه طرحی را برای گسترش یک‌جانبه مرزهای دریایی این کشور با لیتوانی و فنلاند، دو عضو ائتلاف نظامی، ارائه کرد. کمتر از ۲۴ ساعت بعد، این پیشنهاد را از وبسایت دولت حذف کرد. یک عملیات ترکیبی دیگر روسیه در حال انجام است، این بار تلاش برای گسترش ترس، عدم اطمینان و شک در مورد نیات آن‌ها در دریای بالتیک. گابریلیوس لندسبرگیس، وزیر امور خارجه لیتوانی روز چهارشنبه گفت: «این یک تشدید آشکار علیه ناتو و اتحادیه اروپا است و باید با واکنشی قاطعانه مواجه شود.» وزارت او یک نماینده دیپلماتیک روسیه را برای توضیح دقیق احضار کرد و گفت ویلنیوس پاسخ خود را با متحدان هماهنگ خواهد کرد. دمیتری پسکوف، سخنگوی کرملین روز چهارشنبه به خبرنگاران گفت در پیشنهاد وزارت دفاع «هیچ مسئله سیاسی» وجود ندارد، بدون اینکه در مورد جزئیات آن اظهار نظر کند. او گفت: «می‌توانید ببینید که چگونه تنش‌ها در حال افزایش است، سطح روبرویی، به‌ویژه در منطقه بالتیک، اقدامات لازم را از سازمان‌های مربوطه برای تضمین امنیت ما می‌طلبد.» این طرح آخرین تلاش مسکو برای ناآرام کردن همسایگانش پس از تهاجم

فایننشال تایمز / مارتون دونای

هدف مجارستان، «بازنگری» عضویت خود در ناتو است

اروپایی بوده است. آن‌ها همچنین ۶ هفته قبل از نشست سالانه رهبران ناتو در واشنگتن گرد هم می‌آیند، جایی که ائتلاف به دنبال ترسیم یک استراتژی جدید حمایت بلندمدت از ارتش اوکراین است. ارتش مجارستان در مأموریت‌های ناتو در خارج از کشور، از جمله در افغانستان و عراق، شرکت کرده و تلاش‌های حفظ صلح نیروهای کوزوو [KFOR] در این منطقه را رهبری کرده است. اوربان اذعان کرد که موقعیت او مجارستان را به یک کشور دور افتاده در ائتلاف تبدیل می‌کند، اما گفت که از عقب‌نشینی خودداری می‌کند. گویی همه در آینده‌ای متفاوت هستند. آن‌ها به‌سادگی از در نظر گرفتن این استدلال‌ها فراتر از یک استماع مؤدبانه خودداری می‌کنند و برنامه‌ریزی جنگ در حال انجام است. وی افزود: «ما از قبل اعلام کردیم که این موضوع را تأیید نمی‌کنیم و نمی‌خواهیم در حمایت مالی و تسلیحاتی حتی در چارچوب ناتو شرکت کنیم؛ بنابراین، وضعیت ما وضعیت عجیبی است «ما آنجا هستیم، اما نیستیم». نمی‌دانم تا کی می‌توان این مسئله را تحمل کرد.» او افزود که مجارستان یک کشور «متغلق» در نظر گرفته می‌شود، اما در حال کار بر روی تعریف روشن‌تری است. او گفت: «اگر ما انصراف دهیم، مشارکت ما در ساختار نظامی ناتو و وضعیت ما نیز تغییر می‌کند.» ناتو بلافاصله به درخواست برای اظهار نظر پاسخ نداد.

is.gd/VOAM0x

ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان گفت که به دلیل مخالفت طولانی مدتش با کمک به اوکراین در برابر جنگ روسیه، به دنبال «بازنگری» شرایط عضویت در ناتو است. اوربان روز جمعه به رادیو ملی گفت: «وکلا و افسران ما در حال کار برای تعریف این موضوع هستند که چگونه مجارستان می‌تواند به‌عنوان عضو ناتو بدون شرکت در عملیات ناتو در خارج از قلمرو ناتو حضور داشته باشد.» رهبر مجارستان از ارسال کمک‌های نظامی به کی‌یف امتناع کرده و بارها تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه را در پاسخ به تهاجم تمام‌عیار مسکو به اوکراین به تعویق انداخته است. او همچنین به شدت مخالف آموزش ناتو به سربازان اوکراینی در آن کشور است. در تاریخ ناتو موقعیت‌های زیادی وجود نداشته است که یک کشور عضو به همان صراحت و شفافیتی که مجارستان در حال حاضر به ایده اصلی ناتو پایبند باشد و بنابراین اوربان گفت که موقعیت در ائتلاف نظامی باید دوباره تعریف شود. موضع او این است که نیروهای اوکراینی نمی‌توانند در میدان نبرد پیروز شوند، غرب باید به هر طریقی از درگیری با روسیه اجتناب کند و کی‌یف باید با آتش بس فوری موافقت کند. آمریکا گفته است که آتش بس در حال حاضر به معنای تسلیم شدن است. به نظر می‌رسد اظهارات اوربان در پاسخ به پیشنهادهاى اخیر چندین عضو ناتو برای آموزش نیروهای اوکراینی در اوکراین به جای سایر کشورهای

کوئینسی / محمد سهیمی

تأثیر درگذشت «رئیس» بر سیاست داخلی ایران



دادن بی کفایتی او راه انداخت. عملکرد نامطلوب اقتصاد ایران در زمان رئیسی، همراه با برنامه ریزی ضعیف و فسادگونه اش، شانس او را برای رسیدن به مقام رهبری پیچیده می کرد.

در انتخابات اخیر مجلس تنها ۳۰ تا ۴۰ درصد از واجدین شرایط شرکت کردند که نگرانی هایی را در میان نخبگان حاکم برانگیخت. درگذشت رئیس جمهور سابق ممکن است امکان برگزاری انتخابات آزادتر را برای تقویت مشروعیت نظام فراهم کند. مراسم تشییع جنازه و انتخابات آتی نیز ممکن است به ایرانیان اجازه دهد تا ناامیدی خود را از اقتصاد و سرکوب اجتماعی و سیاسی ابراز کنند. وفاداری رئیسی به [آیت الله] خامنه ای دلیل اصلی ریاست جمهوری وی بود، اما انتخاب جانشین وی همچنان نامشخص است. نقش سپاه در انتخاب جانشین نیز نامشخص خواهد بود. درگذشت رئیسی می تواند با ظهور نامزدهای جدید یا ظهور جانشین معتدل تری بر مسئله جانشینی تأثیر بگذارد. جنگ جاری در غزه و جنگ پنهان ایران با اسرائیل نیز سؤالاتی را در مورد آینده غرب آسیا ایجاد می کند. پویایی های پیچیده سیاسی ایران، پرداختن به این پرسش ها را دشوار می کند، اما درگیری های جاری در غزه، پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت.

tinyurl.com/232rozth

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به دیدار رئیسی در مشهد رفتند و با او به عنوان نوعی رهبر ملی آینده رفتار کردند. این اولین نشانه ظهور رئیسی در میان تندروها بود. رئیسی با حمایت [آیت الله] خامنه ای و پسرش مجتبی، چهره ای در سایه که بسیاری او را جانشین بالقوه دیگری برای پدرش نیز می دانند، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۷ شرکت کرد، اما به شدت از حسن روحانی، رئیس جمهور سابق شکست خورد. پایگاه اصلی پشتیبانی رئیسی جبهه پایداری انقلاب اسلامی [JPPE] از پیروان محمد تقی مصباح یزدی بود. با این حال، شکاف هایی بین جبهه پایداری انقلاب اسلامی و افراد نزدیک به بیت رهبری و مجتبی خامنه ای ایجاد شده است. انتخابات اخیر مجلس این شکاف ها را آشکار کرد و برخی سخنگویان سپاه از جبهه پایداری انقلاب اسلامی انتقاد کردند. این انتخابات هم زمان با مجلس خبرگان، یک نهاد قانون اساسی که وظیفه انتخاب رهبر جدید را دارد، برگزار شد. این امر زمینه را برای رویارویی متوالی میان جناح های تندرو از جمله حامیان مجتبی خامنه ای، رئیسی و احتمالاً نامزدی مثل غلامحسین محسنی اژه ای فراهم کرد. برخی در ایران بر این باورند که کمک به رئیسی برای رئیس جمهور شدن ایران تله ای بود که [آیت الله] خامنه ای برای نشان

مذاکره کند، اما رویکرد تندرو او موفقیت آمیز نبود و مذاکرات به بن بست خورد؛ بنابراین، جدای از حامیان تندرو او که حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت را تشکیل می دهند، به سختی کسی برای او اشک می ریزد.

درگذشت رئیسی با این وجود به پویایی پیچیده سیاست داخلی ایران، از جمله جنگ شدید قدرت در میان جناح های مختلف محافظه کار و میانه رو کمک خواهد کرد.

مهم ترین مسئله پیش روی ایران و به ویژه محافظه کاران این است که چه کسی جانشین [آیت الله] خامنه ای به عنوان رهبر بعدی خواهد شد. او ۸۵ سال سن دارد و سال هاست که درگیر بیماری است، هرچند مطبوعات غربی در برخی مواقع درباره میزان بیماری او مبالغه کرده اند.

[آیت الله] خامنه ای در سال ۱۳۹۵ رئیسی را به سمت ریاست آستان قدس رضوی در مشهد منصوب کرد و بر حرم امام رضا، امام هشتم شیعیان و دارایی های عظیم آن که مجموعاً ده ها میلیارد دلار می شد، مسلط شد. بسیاری آن تصمیم را به عنوان سیگنالی برای کاندیدایی رئیسی برای جانشینی [آیت الله] خامنه ای تفسیر کردند.

معقول بودن این تفسیر زمانی تقویت شد که بلافاصله پس از انتصاب رئیسی، افسران ارشد

رئیس جمهور، وزیر امور خارجه و چندین مقام بلند پایه ایران، روز یکشنبه بر اثر سقوط بالگرد در منطقه ای کوهستانی در شمال غرب ایران جان خود را از دست دادند. ابراهیم رئیسی، یک تندرو بود که در سال ۲۰۲۱ توسط [آیت الله] خامنه ای، رهبر ایران، به عنوان رئیس جمهور انتخاب شد. رئیسی قبل از انتخابش سابقه طولانی در قوه قضائیه و سوابق معروف و مستندی در نقض حقوق بشر مردم ایران داشت. رئیسی نقش مهمی در اعدام نزدیک به ۴ هزار زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ داشت. وی در سمت دادستان تهران از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳، شخصیت های برجسته ملی مذهبی را که نقش مهمی در انقلاب ۱۳۵۷ ایفا کرده بودند، دستگیر و تحت تعقیب قرار داد. در جریان جنبش سبز ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹، زمانی که رئیسی به عنوان معاون اصلی قوه قضائیه فعالیت می کرد، اعلام کرد که تظاهرکنندگان باید اعدام شوند و نقش مهمی در سرکوب پس از این جنبش داشتند. او به عنوان دادستان «دادگاه ویژه روحانیت» از سال ۲۰۱۲، روحانیون مخالف حکومت [آیت الله] خامنه ای را تحت تعقیب قرار داد و پس از آغاز تظاهرات در ایران در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۲ در پی درگذشت مهسا امینی، زن جوانی که در بازداشت پلیس امنیت اخلاقی جان خود را از دست داده بود، رئیسی موضع تندی علیه تظاهرکنندگان اتخاذ کرد.

عملکرد اقتصادی دولت رئیسی در سه سال گذشته ناامیدکننده بوده است. او نتوانست به هیچ یک از وعده های خود عمل کند، از کاهش تورم افسارگسیخته (تخمین زده شده حدود ۵۰ درصد) تا ساخت ۴ میلیون خانه جدید برای افراد کم درآمد.

رئیسری در سیاست خارجی وعده داده بود که دولتش در مورد بازگشت به توافق هسته ای که رسماً به عنوان برجام شناخته می شود، با آمریکا

• نتانیاهو گفت: نقشه غافل گیرکننده‌ای برای شمال اسرائیل داریم.

• رئیس کمیسیون اتحادیه اروپا تاکید کرد: حامی طرح پیشنهادی رهبران لهستان و یونان برای ایجاد یک سپر پدافند هوایی مشترک است. دونالد تواسک و کیریاکوس میتسو تاکیس، نخست وزیران لهستان و یونان معتقدند که کشورهای عضو اتحادیه باید بتوانند از خود در برابر تنش‌ها و مناقشات پیرامون اروپا دفاع کنند.

• بانک جهانی در گزارشی در مورد آخرین وضعیت اقتصادی فلسطینی‌ها اعلام کرد از آغاز جنگ حماس و اسرائیل در اکتبر سال گذشته، حدود نیم میلیون شغل در سرزمین‌های فلسطینی نابود شده است.

• تلویزیون دولتی چین، اعلام کرد که این کشور در چارچوب یک رزمایش نظامی حملات موشکی ساختگی در نزدیکی تایوان انجام داده و جت‌های جنگنده حامل موشک همراه با بمب افکن‌ها را به پرواز در آورده است.

• دولت استرالیا رسماً جنبش انصارالله یمن را که از آن به عنوان یک سازمان سیاسی و نظامی اسلامگرای شیعی یاد می‌شود، در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار داد.

• امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، پس از یک روز گفت‌وگو در کالدونیای جدید گفت: اصلاحات انتخاباتی مورد نظرش را که باعث شورش‌های مرگبار در جزیره تحت فرمان فرانسه در اقیانوس آرام شده است، به تعویق می‌اندازد و تلاش می‌کند به دنبال یک توافق سیاسی جدید باشد.

• مسکو اعلام کرد: اگر کی‌یف با تسلیحات انگلیس به خاک روسیه حمله کند، اهداف بریتانیا را فراتر از اوکراین هدف می‌گیریم.

• بر اساس فرمانی که به امضای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه رسید، این کشور دارایی‌های آمریکا از جمله اوراق بهادار را که می‌تواند به عنوان جبران خسارات ناشی از هرگونه توقیف دارایی‌های مسدود شده روسیه در آمریکا مورد استفاده قرار گیرد، شناسایی خواهد کرد.

• جرولم پست در یادداشت تحلیلی به افزایش قدرت ایران در منطقه و کاهش قدرت آمریکا پرداخته است. این نشریه اسرائیلی نوشته است: ایران در این مدت با عربستان آشتی کرده و به دنبال باز کردن صفحه جدیدی از روابط با مصر بوده است. تهران همچنین از نشست اخیر کشورهای مسلمان در گامبیا برای انزوای بیشتر اسرائیل و همکاری بیشتر استفاده کرد.

• نشریه پولیتیکو در مقاله‌ای پیرامون درگذشت رئیس‌جمهور ایران تاکید کرد که احتمالاً این حادثه منجر به روی کار آمدن نسل جدیدی از افراد به اصطلاح تندرو خواهد شد که قصد دارند برنامه هسته‌ای این کشور را تا مرحله نهایی ساخت سلاح هسته‌ای پیش ببرند.

• الکس جونز، شخصیت رسانه‌ای بسیار پرحاشیه محافظه کار، ضمن پرداختن به مساله درگذشت رئیس‌جمهور ایران و بیان تئوری‌های مختلف و بعضاً عجیب درباره این موضوع، اعلام کرد که کارشناسان هشدار می‌دهند که بحران در ایران بعد از درگذشت رئیس‌جمهور ممکن است جنگ جهانی نهایی را به راه بیندازد.

• در حالی که مجری بی‌بی‌سی مدعی بود، احکام و آراء دیوان بین‌المللی دادگستری ضمانت اجرایی ندارند، تحلیل‌گر این شبکه باردا این اظهارات گفت: آراء دیوان از نظر حقوقی، هم لازم‌الاجراست و هم ضمانت اجرا دارد. شورای امنیت وظیفه دارد کشوری را که از این آراء تبعیت نمی‌کند، تنبیه کند؛ اما اسرائیل یک استثنا در دنیا است که تمام قوانین را می‌تواند نقض کند، بدون اینکه هیچ تحریمی علیه آن‌ها صورت بگیرد!

• عصبانیت مجری و کارشناس صهیونیستی اینترنشنال از همدردی و همبستگی رهبران و مقامات جهان با ایران پس از شهادت [آیت‌الله] رئیسی: این جوک است که ما نتوانستیم جلوی این همبستگی جهانی با ایران را بگیریم!

• انور قرقاش، مشاور رئیس‌دولت امارات در امور بین‌الملل، با انتشار پستی در شبکه اجتماعی ایکس از «سیگنال‌های مثبت» میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس سخن گفت.

• دبیرکل حزب الله لبنان گفت: نیروهای مسلح یمن و مقاومت عراق و ایران با عملیات وعده صادق، اسرائیل را غافلگیر کردند. این ما هستیم که باید از غافلگیری اسرائیل صحبت کنیم نه نتانیاهو. نتانیاهو می‌گوید حزب الله لبنان باید منتظر غافلگیری اسرائیل باشد، ولی من در جواب باید بگویم تو باید منتظر غافلگیری‌ها باشی و من مبالغه نمی‌کنم.

• الی کوهن، وزیر امور خارجه سابق و وزیر فعلی انرژی اسرائیل گفت: اگر بهای صلح با عربستان، تشکیل یک کشور فلسطینی است، من این صلح را نمی‌خواهم.

• جرولم پست نوشت: آلمان اعلام کرد که در صورت سفر نتانیاهو به خاک این کشور، او را دستگیر خواهد کرد.

• ترامپ گفت: من از اول با جنگ عراق مخالف بودم و گفتم به این کشور نروید و اگر رفتید، نفت را نگه دارید و آن‌ها رفتند و نفت را نگه نداشتند. ایران از انهدام ارتش ما در عراق سود برد و این کشور تابع جمهوری اسلامی شد.

• یولاندا دیاز، معاون رئیس‌دولت اسپانیا، درباره به رسمیت شناختن کشور فلسطین گفت: «ما نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم، فلسطین از رودخانه تا دریا آزاد خواهد شد.»

• ریشی سوناک و حزب محافظه کار با بحران خروج گسترده نمایندگان خود پیش از انتخابات زودرس مواجه شده و تعداد محافظه کارانی که در حال کناره‌گیری از قدرت هستند، حتی از میزان نمایندگان این حزب پیش از شکست بزرگ آن در سال ۱۹۹۷ نیز بیشتر شده است.

• یک مقام ارشد اتحادیه اروپا می‌گوید مذاکرات درباره استقرار یک ماموریت از سوی این نهاد در گذرگاه مرزی رفح در مرحله مقدماتی است، اما این استقرار پیش از پایان جنگ میان اسرائیل و حماس انجام نخواهد شد.

• جوزپ بورل گفت: ناتو مکمل استقلال راهبردی اروپاست؛ اتحادیه هم باید در مواجهه با چالش‌ها سریع‌تر عمل کند.

چین و روسیه به دنبال هم‌گرایی با محوریت «هدفی مشترک» در غرب آسیا



هستیم. مسکو دارای تجربه تاریخی و ابزارهای استراتژیکی است که به آن امکان می‌دهد نقش فعال و چندوجهی ایفا کند. در حالی که پکن فاقد تجربه تاریخی در منطقه است و آن را پیچیده و حساس می‌داند، اما همچنان از قدرت نرم برخوردار است. این قدرت نرم با ابزارهای اقتصادی توجیه می‌شود و به چین امکان می‌دهد بدون تمایل به پرکردن خلأ در مرحله فعلی، اعمال نفوذ کند و تأثیر بگذارد. به عقیده باهر مردان، با وجود تفاوت در رویکردها، «تفاهم روسیه و چین می‌تواند اصل توازن نقش‌ها را در سطح جهانی و به‌ویژه در منطقه، پس از دوران تک‌قطبی به ارمان بیاورد.»

بنابراین، رقابتی جدی بین این دو کشور وجود ندارد، بلکه بیش‌تر تفاوت اولویت‌ها دیده می‌شود. در سال‌های اخیر، با تلاش‌های آشکار روسیه برای ورود چین به عرصه سوریه به دلایل مختلف، تمایلات هر دو کشور در سوریه برجسته شده است. آرتم کرپیچونوک، استاد روس-اسرائیلی در دانشگاه دولتی سن پترزبورگ، می‌گوید: «روسیه بیش از ۱۰ سال است که تلاش می‌کند چین را در پروژه‌های بازسازی سوریه، به‌ویژه در بخش نفت، که چین پیش از آغاز جنگ سوریه یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران آن بود، مشارکت دهد. حجم مبادلات تجاری بین دو کشور در سال ۲۰۱۰ به حدود ۲.۴۸ میلیارد دلار رسید و حدود ۳۰ شرکت چینی در سوریه فعالیت می‌کردند. چین با ۶.۹ درصد از کل تجارت سوریه، در جایگاه اول شرکای تجاری این کشور قرار داشت.»

تاکنون، چین از دعوت روسیه خودداری کرده که کرپیچونوک آن را به تمایل پکن برای «دیدن ثبات در منطقه، که اولین آن‌ها رسیدن به صلح با اسرائیل است» و همچنین «در نظر گرفتن روابط اولویت‌دار خود با عربستان، قطر و سایر کشورهای عربی خلیج فارس نسبت می‌دهد.

t.ly/WPGOK

نشان‌دهنده بازگشت مسکو برای اولین بار از دهه ۱۹۷۰ به عنوان تأمین‌کننده سلاح برای ارتش مصر، اجرای پروژه‌های اقتصادی در منطقه ویژه اقتصادی کانال سوئز و ساخت اولین راکتور هسته‌ای مصر در الضبعه در سواحل مدیترانه است. در مقابل، چین به یک شریک تجاری مهم برای تمام کشورهای عربی تبدیل شده و از نظر اقتصادی از آمریکا در حوزه نفوذ سنتی خود در منطقه خلیج فارس پیشی گرفته است. چین به بزرگ‌ترین خریدار نفت عرب تبدیل شده و روابط خوبی با همه طرف‌های درگیر مانند فلسطینیان و اسرائیلی‌ها، عربستان و ایران برقرار کرده است. به واسطه میانجی‌گری اخیر بین دو کشور ایران و عربستان، روابطی که از سال ۲۰۱۶ قطع شده بود، از سر گرفته شد.

باهر مردان، پژوهش‌گر، دیپلمات و یکی از معماران اصلی توسعه روابط چین و عراق، در مورد روابط چین و روسیه در غرب آسیا، به‌ویژه عراق می‌گوید: «روابط کنونی بر پایه یک اتحاد پنهان استوار است، در حالی که به همکاری و مشارکت راهبردی آشکار تکیه دارد. این روابط همچنین بر اساس هم‌گرایی است، با روسیه به‌عنوان پیش‌تاز و چین به‌عنوان دسته، با هدف تغییر قواعد بازی و ایجاد یک نظام بین‌المللی چندقطبی.»

او در مورد تفاوت‌های بین دو کشور بحث می‌کند و می‌گوید: «ما شاهد تفاوت‌هایی در رویکردها و راهبردها

پیروزی اسرائیل بر مصر و سوریه، روسیه نفوذ خود را در غرب آسیا از دست داد. این ضربه مهمی بود، چرا که رئیس‌جمهور سابق مصر، انور سادات، روابط با مسکو را قطع و با میانجی‌گری آمریکا، در سال ۱۹۷۹ پیمان صلح مصر و اسرائیل را امضاء کرد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، نفوذ روسیه در منطقه به‌طور کامل پایان یافت.

زمینه کنونی

در حال حاضر، مسکو جایگاه و حضور خود را در منطقه به صورت حاشیه‌ای می‌بیند. با این حال، این جایگاه از طریق چندین پایگاه هوایی و دریایی و دخالت مستقیم در جنگ سوریه تقویت شده است. این دخالت با تبلیغاتی همراه بوده که بر پابندی مسکو به متحدانش، برخلاف واشنگتن، تأکید می‌کند.

برای اولین بار، مسکو از طریق هماهنگی مشترک برای کنترل بازارهای نفت در چارچوب سازوکار اوپک پلاس، که با توافقات متعدد موفقیت‌آمیز بوده است، روابط نزدیکی با کشورهای خلیج فارس، به‌ویژه عربستان، برقرار کرد. روابط این کشور با امارات نیز در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری شاهد رشدی سابقه‌ای بوده است. همچنین هماهنگی سطح بالایی با قطر وجود دارد تا اطمینان حاصل شود که هیچ یک از طرفین به سهم دیگری در بازارهای سنتی صادرات گاز تجاوز نکند. این امر،

از اواسط قرن بیستم، چین و روسیه روابط متفاوتی در قبال غرب آسیا داشته‌اند. در طول سال‌ها، مشارکت منطقه‌ای آن‌ها از هم جدا شده است، به‌طوری‌که روسیه بر بخش‌های نظامی و انرژی و چین بر تعاملات اقتصادی تمرکز کرده‌اند.

برخلاف باور عموم، اتحاد جماهیر شوروی چین را به غرب آسیا معرفی نکرد. در جریان کنفرانس باندونگ در سال ۱۹۵۵، جمال عبدالناصر، رئیس‌جمهور مصر، از چین درخواست کرد تا برای مقابله با حملات اسرائیل به غزه که تحت کنترل نظامی مصر بود، تجهیزات نظامی در اختیارشان بگذارد. ژوان لای، نخست‌وزیر چین، پاسخ داد که کشورش برای تسلیحات خود به اتحاد جماهیر شوروی متکی است و پیشنهاد میانجی‌گری با آن‌ها برای ارائه پشتیبانی نظامی به مصر را داد. این امر منجر به معامله اسلحه چکسلواکی شد که اولین همکاری نظامی مصر و شوروی در رقم زد و راه را برای نفوذ شوروی در مصر، غرب آسیا و آفریقا هموار کرد.

به گفته شیائو دونگ ژانگ، دبیرکل انجمن مطالعات غرب آسیای چین، «این کشور علاقه چندانی به غرب آسیا نداشت. تا سال ۱۹۸۵، حجم تجارت چین با کشورهای غرب آسیا ۱.۷ میلیارد دلار بود و احزاب کمونیست مائوئیستی حضور قابل توجهی در منطقه نداشتند. چین منابع مالی یا امتیازات ویژه‌ای برای ارائه نداشت، به‌جز سلاح‌های سبک برای جنبش‌های چپ‌گرای فلسطین، به همراه بورس‌های تحصیلی، نیروی کار و تخصص.»

بنابراین، به‌رغم رقابت چین و روسیه در امتداد مرز مشترک و آسیا، آن‌ها در غرب آسیا با یک‌دیگر رقابت یا رویارویی نداشتند. زمانی که پکن در کنار واشنگتن در برابر شوروی ایستاد، افغانستان به عرصه‌ای تبدیل شد که چین در آن از گروه‌های مبارز مخالف با حضور شوروی حمایت می‌کرد.

پس از جنگ ماه ژوئن ۱۹۶۷، به علت



رصد و ترجمه اندیشه‌های آمریکایی مختص مطالعه نخبگان



سوریان
مركز مطالعات

Sourianc.com